ایران عرضه
فروشگاه کالاهای دانلودی
IRANARZE.IR

IranArze.ir
@iranarze
@iranarze

تعداد صفحات
۶۷

آخرین بروزرسانی
۱۶ آذر ۱۴۰۴

جزوه خلاصه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- ویژه آزمون های استخدامی
- پوشش دهی مباحث مهم و پرکاربرد به زبان ساده و روان
- با قابلیت مطالعه در کمترین زمان

انتشار یا استفاده غیر تجاری از این جزوه، بدون حذف لوگوی ایران عرضه "مجاز" می باشد

لینک های مفید آزمون های استخدامی

خرید سوالات قانون اساسی	**سوالات رایگان عمومی با پاسخنامه**
درسنامه استخدامی قانون اساسی	**سوالات استخدامی دروس عمومی**
درسنامه استخدامی دروس عمومی	**سوالات استخدامی مصاحبه**
درسنامه استخدامی مصاحبه	**شبکه های اجتماعی ایران عرضه** (فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار)
(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید)	

فهرست مطالب

- فصل اول: خلاصه حقوق اساسی تالیف ایران عرضه - {صفحه ۴}
- فصل دوم: خلاصه حقوق اساسی تالیف ایران عرضه - {صفحه ۳۶}

IRANARZE.IR
فروشگاه کالاهای دانلودی

❖ خلاصه حقوق اساسی تالیف ایران عرضه

فصل اول: قوه موسس و قوه تعدیل کننده

مقدمه

زمامداری مطلوب نیازمند نهادهای اساسی هماهنگ با ماهیت نظام سیاسی است. ساختار سیاسی و نحوه اعمال حاکمیت نقش مهمی در پذیرش و کارآمدی حکومت داشته و می تواند موجب رضایت یا نارضایتی مردم شود. قانون اساسی باید چارچوب کلان اعمال قدرت و نهادهای اصلی را پیش بینی کند. در این میان، دو نهاد ـ قوه مؤسس به عنوان واضع قانون اساسی و قوه تعدیل کننده به عنوان تنظیم گر روابط قوای سه گانه ـ نقشی تعیین کننده دارند. این دو نهاد مسیر حرکت سایر نهادهای حکومتی را مشخص و وظایف و ساختار اصلی نظام را ترسیم می کنند. وجود آنها معمولاً در قانون اساسی تصریح شده است، هرچند شکل تحقق قوه مؤسس در کشورها متفاوت است.

۱-۱ قوه مؤسس: قانون اساسی نمایانگر ارزش ها، هنجارها و آرمان های ملت است و محافظی در برابر حاکمان محسوب می شود. این مدرک به مسائل حکمرانی، ساختار سیاسی و حقوق ملت پرداخته و نیازمند نهادهای تخصصی و مقامات عادل برای تدوین دقیق است.

۱-۱-۱ ماهیت و مبانی: ماهیت قوه مؤسس به هویت نظام سیاسی و شرایط پیدایش آن وابسته است. این نهاد معمولاً پس از تحولات مهم سیاسی ـ مانند انقلاب یا ایجاد حکومت جدید ـ پدید می آید تا نظم حقوقی تازه ای بنا کند.

قدرت مؤسس، عالی ترین نوع قدرت در نظام سیاسی است و با سایر قوا تفاوت ماهوی دارد؛ زیرا موجودیت و اختیارات همه نهادهای حکومتی ناشی از آن است. این قدرت در قالب نهادی مانند مجلس مؤسسان تجسم می یابد و وظیفه آن تعیین اصول بنیادین، تأسیس نهادهای اساسی و تضمین حقوق مردم است.

قوه مؤسس با تدوین قانون اساسی قلمرو و وظایف نهادهای سیاسی را تعیین کرده و روابط آنها با یکدیگر و با مردم را تنظیم می کند. با آنکه قوه مؤسس در مرتبه ای بالاتر از سایر قوا قرار دارد، اما در تعیین قواعد اساسی مقید به ارزش های جامعه، عدالت، اخلاق و اراده عمومی است. زیرا مشروعیت آن از مردم سرچشمه می گیرد و نمی تواند خارج از خواست و آرمان های ملت عمل کند.

بنابراین، قوه مؤسس بازتاب اراده جمعی و بنیادی ترین قدرت سامان دهنده ساختار سیاسی است که بنیان حقوقی کشور را بنا می گذارد.

۱-۱-۲ صلاحیت

قوه مؤسس به عنوان قوه برتر و خالق قوای تأسیسی و نهادهای اساسی شناخته می شود. این قوه پیش از تشکیل حکومت و به صورت مستقل به وجود می آید و قدرت سیاسی را بنیاد می گذارد. تمایز قوه مؤسس از سایر نهادهای سیاسی، صلاحیت آن را در ساختار سیاسی کشور مشخص می کند. اگر حاکمیت الهی پذیرفته شده باشد، صلاحیت قوه مؤسس بر مبنای اصول الهی خواهد بود، درحالی که در جوامع دموکراتیک، صلاحیت آن ناشی از اراده آزاد مردم است. قوه مؤسس ازنظر

نظریه حاکمیتی مشروعیت می یابد و هیچ مقام بالاتری نمی تواند محدوده صلاحیت آن را تعیین کند، بنابراین برای تصویب قانون اساسی کاملاً آزاد است. صلاحیت و وظایف نهاد مؤسس شامل وضع قانون اساسی، ایجاد نظام سیاسی-حقوقی، تأسیس نهادهای اساسی و بازنگری قانون **اساسی** به منظور پاسخگویی به تحولات اجتماعی و بهبود اصول ناکارآمد است.

۱-۱-۳ شیوه تأسیس

نهاد مؤسس برای پاسخ به تحولات اجتماعی و سیاسی و نگرش های نوین شکل می گیرد و قوه مؤسس، برترین قوه و منبع تمام نهادهای حقوقی و سیاسی است. این قوه هنگام تشکیل جامعه سیاسی و در ابتدای تشکیل دولت جدید ایجاد می شود و نمایانگر اراده سیاسی ملت است. دو حالت برای قوه مؤسس وجود دارد: **۱) قوه مؤسس اصلی** که در زمان تأسیس دولت یا انقلاب به تدوین قانون اساسی می پردازد و **۲) قوه مؤسس تجدیدنظر** که تغییرات قانون اساسی را مورد بررسی قرار می دهد. روش های متنوعی برای وضع قانون اساسی وجود دارد، ازجمله **مجالس مؤسسان، همه پرسی و شیوه های مختلط** که همگی جنبه مردم سالاری دارند؛ و **شیوه عطایی** که از حاکمان به مردم داده می شود مانند منشور کبیر در انگلستان توسط پادشاه؛ و **شیوه پله بیسیت** که قوه مجریه نگارش و به تصویب مردم می رساند، این روش پس از کودتا علیه قوه مقننه استفاده می شود.

۱-۱-۴ قوه مؤسس در حقوق اساسی ایران

خاستگاه قوه مؤسس در ایران به نهضت مشروطه بازمی گردد؛ جریانی که با هدف تحدید قدرت مطلقه شاه و استقرار حکومت قانون شکل گرفت. پیامد آن، فرمان مشروطیت، تشکیل عدالت خانه و سپس تأسیس مجلس شورای ملی بود. مجلس نخست، عملاً نقش قوه مؤسس را ایفا کرد و در سال های ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶ قانون اساسی و متمم آن را تصویب کرد.پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و فروپاشی نظم پیشین، ضرورت تدوین قانون اساسی جدید مطابق ارزش های اسلامی و آرمان های انقلاب مطرح شد. به دستور امام خمینی(ره)، پس از تعیین جمهوری اسلامی در همه پرسی نخست، قانون تشکیل «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» تصویب شد. انتخابات این مجلس با ۷۳ عضو در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ برگزار و مجلس در ۲۸ مرداد تشکیل شد.این نهاد در ۶۷ جلسه علنی اصول پیشنهادی را بررسی و متن نهایی را در ۲۸ آبان ۱۳۵۸ تصویب کرد. قانون اساسی جدید در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل تنظیم شد. در مرحله سوم، متن قانون اساسی طی همه پرسی ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به رأی عمومی گذاشته شد و با حدود ۹۹/۵ درصد آرای موافق تصویب نهایی یافت.این فرایند سه مرحله ای ـ تعیین نوع حکومت، انتخاب خبرگان، و همه پرسی نهایی ـ نمونه بارز اعمال قوه مؤسس در ایران به شمار می رود.

۱-۲ قوه تعدیل کننده

کارکرد اصلی دولت تأمین نظم، عدالت، امنیت و حفظ حقوق شهروندان است. تحقق این اهداف نیازمند ساختار منظم و مبتنی بر قانون است. چنانچه قوای حاکم فاقد ارتباط و هماهنگی باشند یا یکی بر دیگری چیره شود، تعارض، فساد و ناکارآمدی پدید می آید. برای پیشگیری از این وضع، در اندیشه حقوق اساسی نهادی فرادست طراحی شده است که میان قوا تعادل برقرار کند و آن را «قوه تعدیل کننده» می نامند.

۱-۲-۱ ماهیت و مبانی

«تعادل قوا» ارتباط تنگاتنگ با اصل تفکیک قوا دارد، زیرا صرف جداسازی قوا بدون سازوکارهای تعادل بخش، مانع تمرکز قدرت و سوءاستفاده نمی شود. تجربه کشورها نیز نشان می دهد که در عمل، تعارض یا غلبه یک قوه بر دیگران—به ویژه غلبه قوه مجریه یا مقننه—امری محتمل است.

اندیشمندانی چون بنژامن کنستان، در کنار قوای سه گانه، وجود قوه ای بی طرف و فراتر از آنها را ضروری دانسته اند. این قوه می تواند در اختلافات میان نهادهای اصلی حکومت مداخله کرده، از بحران جلوگیری کند، از اجرای قوانین زیان آور ممانعت نماید یا مسئولان ناکارآمد را عزل کند.

به بیان دیگر، قوه تعدیل کننده باید بی طرف، فراقوه ای و قادر به مداخله در مواقع بن بست سیاسی باشد تا از سقوط نظام و هرج ومرج جلوگیری کند. تعادل مطلوب آن است که هیچ قوه ای نتواند سایر قوا را تحت سلطه خود قرار دهد.

۲-۲-۱ صلاحیت

بر اساس این فلسفه، مهم ترین وظایف و اختیارات قوه تعدیل کننده عبارت اند از:

۱- ایجاد توازن میان قوای سه گانه

۲- تنظیم تعامل سازمانی نهادهای اساسی

۳- تعیین راهبردهای کلی عملکرد قوا

٤- ارائه چارچوب حل اختلافات میان قوا

۵- جلوگیری از دخالت قوا در وظایف یکدیگر

٦- رفع ابهام از قوانین برای تعیین مرز صلاحیت ها

۷- تشکیل نشست های مشترک برای هماهنگی

۸- تشکیل کمیسیون های سازش

۹- ارائه راهبرد برای تقویت همکاری قوا

۱۰- ارائه مشورت تخصصی به قوای سه گانه

۳-۲-۱ شیوه تأسیس

ماهیت قوه تعدیل کننده بسته به نوع حاکمیت و ساختار سیاسی کشور متفاوت است. وجود آن باید در متن قانون اساسی پیش بینی شود تا کارآمد باشد. برخی نظام ها فاقد چنین نهادی اند و با سازوکارهای درونی میان قوا—مثل نظارت متقابل—تعادل را برقرار می کنند.

در نظام هایی که قوه تعدیل کننده لحاظ شده است، معمولاً این وظایف به عالی ترین شخصیت سیاسی کشور یا شورایی متشکل از مقامات عالی سپرده می شود. شرط اساسی آن بی طرفی سازمانی و عدم وابستگی به احزاب یا قوا است تا از سلطه هر یک بر دیگری جلوگیری شود.

۱-۲-۴ قوه تعدیل کننده: مقام رهبری در حقوق اساسی ایران

نظام جمهوری اسلامی بر مبنای نظریه ولایت مطلقه فقیه، قوه تعدیل کننده را در نهاد رهبری متجسم ساخته است. این جایگاه حاصل پذیرش دوگانه حاکمیت الهی و مردمی است؛ بدین معنا که رهبری حافظ ارزش های اسلامی و هدایت گر مسیر عمومی حکومت است.

اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه گانه را مستقل اما تحت نظارت ولایت امر قرار می دهد. این نظارت با سه کارکرد مشخص اعمال می شود:

- **نظارت تقنینی** از طریق فقهای شورای نگهبان برای تطبیق مصوبات با شرع و قانون اساسی
- **نظارت تنفیذی** بر قوه مجریه از طریق تنفیذ حکم ریاست جمهوری
- **نظارت قضایی** به واسطه انتصاب رئیس قوه قضاییه و قضات

این سازوکار مانع تمرکز قدرت و تضمین کننده تعادل میان قواست. همچنین، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، رهبری می تواند اختلاف های مجلس و شورای نگهبان را حل کرده و سیاست های کلی نظام را تعیین کند. اصل ۱۱۰ نیز «تنظیم روابط قوای سه گانه» و «حل معضلات نظام» را در صلاحیت رهبری قرار می دهد.

۱-۲-۴-۱ شرایط و صفات مقام رهبری

قانون اساسی، با توجه به ماهیت اسلامی نظام، شرایط زیر را برای رهبری مقرر کرده است:

- اجتهاد لازم در ابواب فقه
- عدالت و تقوا
- بینش صحیح سیاسی–اجتماعی
- شجاعت، تدبیر، مدیریت و قدرت رهبری

در صورت تعدد واجدان شرایط، فرد برخوردار از برجستگی بیشتر در فقاهت و سیاست مقدم است. انتخاب رهبر توسط مجلس خبرگان انجام می شود.

۱-۲-٤-۲ مجلس خبرگان و انتخاب مقام رهبری: بر اساس اصول ۵، ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی، انتخاب رهبر بر عهده مجلس خبرگان است. مطابق اصل ۱۰۸، تعیین تعداد، شرایط و شیوه انتخاب خبرگان ابتدا توسط فقهای شورای نگهبان تصویب و با تأیید رهبر رسمیت یافته و پس از آن اصلاحات در صلاحیت خود خبرگان قرار دارد.

الف) تعداد اعضا: طبق ماده ۱، تعداد نمایندگان هر استان متناسب با جمعیت تعیین می شود (تقریباً یک کرسی به ازای هر یک میلیون نفر).

ب) شرایط عضویت: طبق ماده ۲، شرایط عبارت اند از: دیانت و شایستگی اخلاقی، اجتهاد در حد تشخیص ولی فقیه، بینش سیاسی ـ اجتماعی و نداشتن سوء سابقه. تشخیص شرایط با فقهای شورای نگهبان است، مگر اینکه رهبر اجتهاد فردی را

تأیید کند. عضویت محدود به فقها نیست و خبرگان باید در برخی حوزه های مرتبط با وظایف رهبری صلاحیت تخصصی داشته باشند.

ج) دوره عضویت: انتخاب با رأی مردم و برای ۸ سال است؛ انتخاب مجدد امکان پذیر و جایگزینی از طریق انتخابات انجام می شود.

۳-۴-۲-۱- وظایف مجلس خبرگان: مجلس خبرگان بر اساس قانون اساسی دو وظیفهٔ اصلی دارد:

۱- انتخاب رهبر

۲- نظارت بر بقای شرایط رهبری

الف) انتخاب رهبر: طبق اصل ۱۰۷، خبرگان شرایط همهٔ فقهای واجد شرایط اصول ۵ و ۱۰۹ را بررسی و مشورت می کنند. اگر فردی را از نظر فقاهت، بینش سیاسی ـ اجتماعی یا مقبولیت عمومی برتر تشخیص دهند، او را به عنوان رهبر انتخاب می کنند؛ در غیر این صورت یکی از واجدان شرایط را برمی گزینند. بنابراین، انتخاب رهبر با رأی خبرگان و نه با رأی مستقیم مردم انجام می شود.

ب) نظارت بر استمرار شرایط رهبری: نظارت شیوهٔ صریح و مشخصی در قانون ندارد، اما بر مبنای اصول پاسخگویی و رعایت قانون، خبرگان باید استمرار شرایط رهبری را ارزیابی کنند. مطابق اصل ۱۱۱، اگر رهبر از انجام وظایف قانونی ناتوان شود، یا شرایط مقرر در اصول ۵ و ۱۰۹ را از دست بدهد، یا ثابت شود از ابتدا فاقد بخشی از آن بوده، مجلس خبرگان موظف به عزل او است. این نهاد سازوکار حقوقی تضمین کنندهٔ مشروعیت و تداوم شرایط رهبری است.

۴-۴-۲-۱ جانشینی رهبری : طبق اصل ۱۱۱، در حالت فوت، عزل، استعفا یا ناتوانی موقت رهبر، «شورای موقت رهبری» وظایف رهبری را بر عهده می گیرد. این شورا از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یک فقیه شورای نگهبان (به انتخاب مجمع تشخیص) تشکیل می شود. در صورت خروج هر عضو، فرد جایگزین توسط مجمع تعیین می شود. انجام برخی وظایف، مانند بندهای مهم اصل ۱۱۰، تنها با موافقت سه چهارم مجمع تشخیص ممکن است.

۵-۴-۲-۱ پایان رهبری : سمت رهبری مادام الشرایط است و در سه حالت پایان می یابد:

عزل: طبق اصل ۱۱۱، در صورت ناتوانی یا فقدان شرایط اصول ۵ و ۱۰۹، خبرگان او را عزل می کنند.

فوت: پس از آن شورای موقت وظایف را انجام می دهد.

استعفا: با پذیرش خبرگان، دوره رهبری پایان می یابد.

۶-۴-۲-۱ وظایف و اختیارات رهبری

اختیارات رهبری بر پایه نظریه ولایت مطلقه فقیه بسیار گسترده است و بندهای اصل ۱۱۰ جنبه تمثیلی دارند. مهم ترین اختیارات:

۱- تعیین سیاست های کلی نظام و نظارت بر اجرای آنها (با مشورت مجمع تشخیص).

۲- صدور فرمان همه پرسی درباره بازنگری قانون اساسی (بر اساس اصل ۱۷۷).

۳- فرماندهی کل نیروهای مسلح: تعیین سیاست های نظامی، نصب ـ عزل فرماندهان عالی، اعلان جنگ و صلح، و نظارت بر شورای عالی امنیت ملی.

٤- تنظیم روابط قوای سه گانه و حل اختلاف میان آنها (بند ۷ اصل ۱۱۰).

۵- حل معضلات نظام که از راه های عادی حل نمی شوند، با مشورت مجمع تشخیص.

٦- تنفیذ و عزل رئیس جمهور؛ عزل پس از رأی عدم کفایت مجلس یا حکم قضایی (بند ۱۰ اصل ۱۱۰).

۷- نصب و عزل مقامات عالی: فقهای شورای نگهبان، رئیس قوه قضائیه، رئیس صداوسیما، فرماندهان نظامی (بند ٦).

۸- عفو یا تخفیف محکومان با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه (بند ۱۱).

در مجموع، نهاد رهبری محور تنظیم قدرت، تضمین مصالح عمومی و هدایت ساختار حکمرانی در جمهوری اسلامی است.

فصل دوم: قوه مجریه

مقدمه:

قانون گذاری به تنهایی برای اعمال حاکمیت کافی نیست و برای تحقق آن به نهادی اجرا کننده نیاز است. اما تمرکز قانون گذاری و اجرا در یک نهاد، خطر استبداد و ناکارآمدی را افزایش می دهد؛ بنابراین در چارچوب تفکیک قوا، اجرای قانون و اداره امور عمومی به قوهٔ مجریه سپرده می شود. این قوه در امتداد تصمیمات پارلمان عمل کرده، اهداف و مقاصد نهفته در قوانین را محقق می کند و با سازوکارهای اجرایی، مدیریت خدمات و امور عمومی جامعه را برعهده می گیرد.

۲-۱: ماهیت و کارکرد قوه مجریه: قوه مجریه نهادی است که اجرای قوانین، اداره امور عمومی، تأمین نظم، امنیت و رفاه را بر عهده دارد و در حقوق اساسی غالباً معادل «دولت» تلقی می شود. این نهاد محصول تحول فلسفه سیاسی قرن هجدهم است. مهم ترین کارکردهای آن عبارت اند از: مدیریت اجرایی کشور، اجرای قوانین مصوب پارلمان از طریق صدور دستورالعمل ها، اجرای احکام قضایی، مشارکت در قانون گذاری از طریق لوایح و آیین نامه ها، سیاست گذاری کلان، روابط خارجی، حفظ امنیت داخلی و دفاع از تمامیت ارضی.

ارکان قوه مجریه: قوه مجریه از سه بخش تشکیل می شود:

۱) **رئیس کشور:** عالی ترین مقام سیاسی ـ با نقش نمایندگی ملت در داخل و خارج؛ معمولاً از مسئولیت سیاسی مصون است و ابتکار عمل در تصمیمات کلان دارد. در نظام ها یا پادشاه است (موروثی یا منتخب پارلمان) یا رئیس جمهور.

۲) **هیئت دولت**: متشکل از وزرا با ریاست نخست وزیر یا رئیس جمهور که مسئول اداره دستگاه های اجرایی اند.

۳) **ساختار اداری**: شامل وزارتخانه ها و بدنه اداری که زیر نظر وزرا اداره می شوند.

رئیس کشور: پادشاه در نظام های سلطنتی غالباً تشریفاتی است (مثل انگلیس) اما گاه اختیارات گسترده دارد (عربستان). در جمهوری ها، رئیس جمهور نماینده اراده عمومی است. انتخاب رئیس جمهور در کشورهای مختلف با رأی مستقیم یا غیرمستقیم انجام می شود. دوره ریاست جمهوری معمولاً محدود است (۴ سال در آمریکا و دو دوره متوالی در ایران مجاز). در برخی کشورها مانند سوئیس، اداره کشور به صورت شورایی است.

مسئولیت اعضای قوه مجریه: اعضای قوه مجریه در برابر تصمیمات خود مسئول اند:

مسئولیت کیفری، مدنی، قانونی (امکان عزل)، و سیاسی (پاسخگویی به پارلمان و احتمال استیضاح).

قوه مجریه در ایران

طبق اصول ۵۷ و ۶۰، قوه مجریه مستقل بوده اما زیر نظارت رهبری و با برتری قوه مقننه عمل می کند. ریاست این قوه با رئیس جمهور است (اصل ۱۱۳).

شرایط رئیس جمهور

طبق اصل ۱۱۵:

- **رجال**: محل اختلاف؛ عده ای آن را محدود به مردان می دانند و عده ای به معنای شخصیت برجسته سیاسی/مذهبی.
- **ایرانی الأصل:** رئیس جمهور باید تابعیت اصلی داشته باشد؛ معمولاً پدر باید ایرانی الأصل باشد.
- شرایط اخلاقی و مدیریتی؛ تأیید صلاحیت بر عهده شورای نگهبان است (بند ۹ اصل ۱۱۰).

انتخاب، دوره، تنفیذ و سوگند: رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم و کسب اکثریت مطلق انتخاب می شود؛ در صورت عدم اکثریت، انتخابات به دور دوم می رود. دوره ریاست جمهوری ۴ سال و فقط یک بار قابل تمدید متوالی است (اصل ۱۱۴). پس از تأیید صحت انتخابات و تنفیذ حکم توسط رهبری، رئیس جمهور در مجلس سوگند یاد می کند (اصل ۱۲۱).

کفالت: در موارد فوت، عزل، استعفا یا غیبت بیش از دو ماه، معاون اول کفیل ریاست جمهوری می شود. در این حالت، ظرف حداکثر ۵۰ روز باید رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در این دوره، استیضاح وزرا، تغییر قانون اساسی یا برگزاری همه پرسی ممنوع است (اصل ۱۳۱).

۲-۴-۲-۵- وظایف و اختیارات رئیس جمهور

قانون اساسی حدود اختیارات رئیس جمهور را مشخص کرده و اصل عدم صلاحیت تصریح می کند که وی فقط در حدود اختیاراتِ مصرح قانونی حق اقدام دارد. طبق اصل ۱۲۲ رئیس جمهور در برابر ملت، رهبر و مجلس مسئول است. بنابراین قلمرو مسئولیت او دو دسته است:

۱) نسبت به وظایف و اختیارات قانونی خود؛

۲) نسبت به اقدامات هیئت وزیران (به سبب ریاست بر کابینه و نقش در انتخاب وزرا).

پاسخگویی رئیس جمهور در چند دسته قابل طرح است:

- **سیاسی**: در برابر مجلس و رهبر؛ با ابزار سؤال، استیضاح و نهایتاً عزل توسط رهبری؛ جنبه کیفری ندارد.
- **کیفری**: در صورت ارتکاب جرم، طبق اصل ۱۴۰ با اطلاع مجلس در دادگاه های عمومی محاکمه می شود.
- **قانونی**: در صورت تخطی از وظایف، دیوان عالی کشور رسیدگی می کند و پس از حکم آن، عزل با تصمیم رهبری انجام می گیرد.
- **مدنی**: اگر خسارتی به اشخاص وارد کند، باید مطابق قانون مسئولیت مدنی جبران کند.

- **مالی**: طبق اصل ۱۴۲ وضعیت دارایی رئیس جمهور و خانواده اش قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه بررسی می شود.
- **اخلاقی**: صرفاً ناظر به افکار عمومی است و ضمانت اجرایی حقوقی ندارد؛ آثارش در کاهش حمایت مردمی و شکست در انتخابات بعدی نمود پیدا می کند.

۱-۵-۲-۴-۲ وظایف و اختیارات در امور کلی کشور

وظایف و اختیارات رئیس جمهور در حوزه امور کلی کشور، از جایگاه او به عنوان عالی ترین مقام رسمی پس از رهبری ناشی می شود و عمدتاً در اصول متعدد قانون اساسی و قوانین عادی تبیین شده است.

۱) مسئولیت اجرای قانون اساسی: طبق اصل ۱۱۳، رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است. شورای نگهبان در تفسیر این اصل تصریح کرده که:

- رئیس جمهور حق اخطار و تذکر دارد.
- می تواند از مقامات مسئول توضیح بخواهد؛ اما تشکیل واحد بازرسی، بدون مجوز قانون، خلاف قانون اساسی است.

در قانون وظایف و اختیارات ریاست جمهوری (مواد ۱۳ تا ۱۶):

- رئیس جمهور از طریق نظارت و پیگیری، مسئول اجرای قانون اساسی است.
- درصورت توقف یا نقض اصول، باید موضوع را پیگیری کرده و علت را از مقام مسئول بخواهد.
- در صورت احراز تخلف، اقدامات لازم را انجام داده و در مورد وزرا موضوع را به مجلس ارجاع می دهد.
- سالانه موظف است آمار تخلفات و اقدامات اصلاحی را به مجلس اعلام کند.
- حق اخطار و تذکر به قوای سه گانه را دارد.

۲) اعطای نشان های دولتی: طبق اصل ۱۲۹، اعطای نشان های کشوری با رئیس جمهور است. طبق قانون:

- نشان های کشوری با پیشنهاد وزیران و تصویب هیئت دولت؛
- نشان های لشکری با پیشنهاد ستاد مشترک و تصویب فرمانده کل قوا،

توسط رئیس جمهور اعطا می شود.

۳) امور بین المللی:

- رئیس جمهور نماینده کشور در سطح بین المللی است و نقش برجسته ای در تنظیم روابط خارجی دارد.
- طبق اصل ۱۲۵، انعقاد و امضای عهدنامه ها و قراردادهای بین المللی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست؛ البته تصویب نهایی آنها در صلاحیت مجلس است.
- نصب و عزل سفرا و پذیرش استوارنامه سفرای خارجی از اختیارات اوست.
- شرکت در مجامع بین المللی نیز از شئون جایگاه اوست.

۴) ریاست و عضویت در نهادهای مهم: به سبب مسئولیت های گسترده اجرایی، رئیس جمهور در نهادهای مهمی عضویت یا ریاست دارد:

۱- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام (اصل ۱۱۲)

۲- رئیس شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶)

۳- عضو شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱)

٤- رئیس شورای بازنگری قانون اساسی به حکم رهبری (اصل ۱۷۷)

۵- رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی

۲-۶-۱-۴-۲- وظایف و اختیارات در ارتباط با قوای سه گانه

با اینکه نظام جمهوری اسلامی بر تفکیک نسبی قوا استوار است، قوه مجریه و رئیس جمهور در تعامل با سایر قوا نقش های مهمی دارند. رئیس جمهور محور اداره امور اجرایی کشور است و طبق قانون اساسی وظایف مختلفی در ارتباط با قوه مقننه، قضاییه و دستگاه اداری دارد.

الف) ارتباط با قوه مقننه: رئیس جمهور در فرآیند قانون گذاری و کارکرد مجلس نقش مؤثر دارد:

۱- ارسال لوایح قانونی: دولت لوایح را تصویب و از طریق رئیس جمهور به مجلس تقدیم می کند.

۲- معرفی وزرا برای رأی اعتماد و دفاع از آنان هنگام استیضاح.

۳- پاسخ گویی به سوال نمایندگان مطابق اصول نظارتی مجلس.

٤- درخواست جلسه غیرعلنی برای بررسی موضوعات امنیتی.

۵- امضای قوانین مصوب مجلس پس از طی مراحل قانونی و ارسال برای انتشار در روزنامه رسمی.

٦- پیشنهاد همه پرسی درباره مسائل مهم کشور.

۷- پیشنهاد توقف انتخابات در شرایط خاص.

بنابراین، رئیس جمهور در کنار اختیارات اجرایی، نقش فعالی در تعامل قانون گذاری دارد.

ب) ارتباط با قوه قضائیه:

۱- معرفی وزیر دادگستری (گزینش از میان نامزدهای پیشنهادی رئیس قوه قضائیه).

۲- ارسال لوایح قضایی تهیه شده توسط قوه قضائیه به مجلس.

۳- ارائه بودجه پیشنهادی قوه قضائیه از طریق دولت به مجلس.

این موارد نشان می دهد که اگرچه رئیس قوه قضائیه مستقل است، ولی فرآیند مالی و تقنینی اش از کانال قوه مجریه و رئیس جمهور عبور می کند.

ج) اداره قوه مجریه و دستگاه اداری: رئیس جمهور عالی ترین مقام اجرایی کشور ذیل رهبری است. مهم ترین وظایف در رأس قوه مجریه عبارتند از:

۱- ارائه برنامه های کلی دولت هنگام معرفی کابینه.

۲- معرفی و عزل وزرا.

۳- تعیین معاون اول.

٤- نظارت عالیه بر وزارتخانه ها و نهادهای اجرایی.

۵- تنظیم، تصویب و صدور آیین نامه ها، بخشنامه ها و دستورالعمل های اجرایی.

- ریاست برخی سازمان های مهم از جمله: سازمان برنامه و بودجه - شورای عالی اداری - سازمان انرژی اتمی - سازمان حفاظت محیط زیست

بنابراین، رئیس جمهور نقشی اساسی در اداره امور اصلی کشور، سیاست گذاری اجرایی و هماهنگی کلان دارد.

۲) وزرا: وزرا از ارکان کلیدی قوه مجریه هستند. مطابق اصل ۶۰، اعمال قوه مجریه ـ جز امور مرتبط با رهبری ـ از طریق رئیس جمهور و وزرا است.

۲-۴-۲-۱ شرایط و انتخاب وزیر

وزیر باید واجد صلاحیت دینی، اخلاقی، مدیریتی و تخصصی باشد. معرفی وزیر از سوی رئیس جمهور انجام می شود. رأی اعتماد مجلس شرط ورود وزیر به کابینه است. دوره خدمت به تناسب دولت چهار ساله است، اما امکان عزل زودهنگام وجود دارد.

۲-۴-۲-۲ نهاد وزارتخانه

وزارتخانه بخشی از سازمان اجرایی قانونی کشور است و:

- اهداف دولت را اجرا می کند؛
- وزیر ریاست آن را بر عهده دارد؛
- تعداد وزارتخانه ها و حدود وظایف آنها با قانون تعیین می شود؛
- تأسیس یا حذف وزارتخانه بر عهده مجلس است.

۲-۴-۲-۳ مسئولیت وزیر

وزیر دارای مسئولیت فردی و جمعی است:

۱- **مسئولیت سیاسی:** پاسخ گویی در برابر رئیس جمهور و مجلس (اصل ۱۳۷) - مسئولیت جمعی در قبال تصمیمات هیئت وزیران.

۲- **مسئولیت مدنی:** جبران خسارات وارده به افراد طبق قانون مسئولیت مدنی.

۳- **مسئولیت مالی:** رسیدگی به اموال وزیر و خانواده تحت اصل ۱۴۲ توسط رئیس قوه قضائیه.

۴- **مسئولیت کیفری:** محاکمه در جرایم عادی با اطلاع مجلس در محاکم عمومی.

۵- **مسئولیت اخلاقی:** پاسخ گویی در برابر افکار عمومی بدون ضمانت اجرای حقوقی.

۲-۴-۲-۴ وظایف وزیر

۱. مدیریت وزارتخانه ۲.مشارکت در تصویب نامه ها و لوایح ۳.تدوین آیین نامه ها و بخشنامه ها ۴.دفاع از لوایح دولت در مجلس ۵.شرکت در جلسات علنی و غیرعلنی ۶.پاسخ گویی به سوالات نمایندگان ۷.اجرای وظایف قانونی در راستای منافع عمومی

وزیر می تواند بخشی از وظایف را به معاونان تفویض کند، اما مسئولیت نهایی با اوست.

۳) هیئت وزیران (کابینه)

کابینه شخصیت حقوقی مستقل دارد. مطابق اصل ۸۷، هیئت وزیران پس از معرفی وزرا از سوی رئیس جمهور و کسب رأی اعتماد تشکیل می شود. دوره چهار ساله دارد و با تغییر مجلس نیازمند رأی اعتماد مجدد نیست. تغییر بیش از نیمی از وزرا ممکن است نیاز به رأی مجدد داشته باشد (اصل ۱۳۳).

۲-۴-۳-۲ کمیسیون های دولت

طبق اصل ۱۳۸، کمیسیون های دولت مرکب از چند وزیر هستند و اختیاراتی در تصویب امور تخصصی دارند. مصوبات پس از تأیید رئیس جمهور لازم الاجرا است.

۲-۴-۳-۳ وظایف هیئت وزیران

- تهیه و تصویب لوایح قانونی
- تصویب آیین نامه ها و تصویب نامه ها
- حل اختلاف بین دستگاه های اجرایی

در حل اختلاف، اگر اختلاف ناشی از برداشت قانونی باشد، موضوع باید از مجلس استفسار شود. اگر اجرایی باشد، دولت تصمیم می گیرد و لازم الاجراست.

مصوبات دولت شامل: تصویب نامه ها - آیین نامه ها و بخشنامه ها (ماهیّت عام) - تصمیمات فردی

همه تصمیمات باید در چارچوب قانون و برای اجرای آن اتخاذ شوند.

۴) نیروهای مسلح

مطابق اصل ۱۱۰، فرماندهی کل نیروهای مسلح با مقام رهبری است. نیروهای زیر مجموع آن اند:

۱. ارتش جمهوری اسلامی

- وظیفه: حفظ استقلال و تمامیت ارضی (اصل ۱۴۳)
- ویژگی ها: مکتبی، مردمی، با فرماندهی واحد

۲. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

- وظیفه: پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن (اصل ۱۵۰)
- همکاری با دیگر نیروها طبق قانون

۳. بسیج

- زیرمجموعه سپاه
- هدف: مشارکت مردم در دفاع از کشور

۱. نیروی انتظامی

- ایجاد نظم و امنیت داخلی
- ضابط دادگستری
- فرماندهی زیر نظر رهبری، با امکان تفویض به وزیر کشور

نظامیان نباید وارد منازعات سیاسی شوند و بهره برداری شخصی از امکانات نظامی ممنوع است.

فصل سوم: قوه مقننه

مقدمه

تحقق مردم سالاری در هر نظام سیاسی مستلزم ایجاد سازوکارهایی برای مشارکت عمومی، توزیع قدرت و کنترل نهادهای حکومتی است. قوه مقننه مهم ترین ابزار تحقق این اهداف به شمار می آید، زیرا اراده جمعی مردم را به قواعد الزام آور تبدیل می کند و بر عملکرد سایر قوا نظارت دارد. نقش این قوه در شکل گیری نظم حقوقی، تضمین آزادی ها و جلوگیری از تمرکز قدرت حیاتی است و ساختار آن در هر کشور بر پایه تاریخ، فرهنگ سیاسی و اصول بنیادین نظام حقوق اساسی طراحی می شود.

۳-۱. ماهیت قوه مقننه

قوه مقننه یکی از بنیادین ترین نهادهای سیاسی است که کار ویژه اصلی اش تبدیل اراده عمومی مردم به قوانین رسمی است. این قوه در نظام تفکیک قوا، سخنگوی اراده عمومی و تجلی دموکراسی غیرمستقیم است. مهم ترین ابزار تحقق این نقش، پارلمان است؛ نهادی که محل گفت و گو، مشورت و تصمیم گیری درباره قواعد لازم الاجراست و اختیار تصویب، اصلاح و لغو قوانین را بر عهده دارد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، قوه مقننه بر پایه حاکمیت الهی و نظریه ولایت مطلقه فقیه سازمان یافته و تحت نظارت رهبری از طریق شورای نگهبان عمل می کند. ساختار آن دو رکنی است: مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد نمایندگی مردم و شورای نگهبان به عنوان مرجع نظارت شرعی و قانونی؛ اعتبار کارکردی قوه مقننه به حضور این دو نهادی بستگی دارد.

۳-۲. تعداد مجالس

پارلمان ها در کشورها به صورت یک مجلسی یا دو مجلسی ساخته می شوند. انتخاب یکی از این دو شکل تابع شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی هر کشور است و حکم حقوقی واحدی ندارد.

۳-۲-۱. مجلس در دولت بسیط

در دولت های تک بافت، گاه نظام یک مجلسی با این توجیه انتخاب می شود که قانون گذاری باید سریع و بدون تشریفات زائد باشد. در مقابل، الگوی دو مجلسی در چنین کشورهایی با هدف ایجاد تأمل بیشتر، جلوگیری از تصمیم گیری شتاب زده و کاهش خطر تمرکز قدرت در مجلس اول ایجاد می شود. مجلس دوم معمولاً از افراد باتجربه تر تشکیل می شود و وظیفه بازنگری و تعدیل مصوبات مجلس اول را دارد. نمونه تاریخی آن انگلستان است؛ جایی که مجلس لردان ریشه در اشرافیت داشت و پس از تحولات مردم سالارانه، مجلس عوام به رکن اصلی قانون گذاری تبدیل شد. در ایران، وجود شورای نگهبان به جای مجلس دوم عمل می کند و نقش بازبینی شرعی و قانونی مصوبات را بر عهده دارد.

۳-۲-۲. مجلس در دولت فدرال

در ساختار فدرال، دو سطح قدرت وجود دارد: دولت مرکزی و دولت های عضو. به منظور ایجاد تعادل میان منافع مشترک و استقلال واحدهای عضو، نظام دو مجلسی ضرورت دارد. مجلس اول نماینده جمعیت کل کشور است و مجلس دوم از منافع دولت های عضو دفاع می کند. حضور برابر ایالات در مجلس دوم و اختیارات مشابه دو مجلس در قانون گذاری و نظارت، تضمین کننده تعادل فدرالی است.

۳-۳. سمت نمایندگی

در دموکراسی غیرمستقیم، مشارکت مردم از طریق انتخاب نمایندگان تحقق می یابد. بر پایه دیدگاه پیتکین، نمایندگی بر دو پایه انتخاب و پاسخگویی استوار است. نماینده مشروعیت خود را از اراده عمومی می گیرد و موظف است در مسیر منافع ملّی عمل کند. ویژگی نمایندگی این است که نماینده، نماینده کل ملت است نه فقط حوزه انتخابیه اش؛ سمت او قائم به شخص است و تصمیم گیری در مجلس جنبه جمعی دارد. بنابراین نمایندگی جلوه ای از حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی مردم است.

۳-۴. مصونیت پارلمانی

مصونیت پارلمانی برای تضمین استقلال نمایندگان و انجام آزادانه وظایف قانون گذاری ایجاد شده است. هدف آن رهایی نمایندگان از فشار گروه های قدرتمند و امکان اظهار نظر آزاد درباره امور عمومی است.

۳-۴-۱. مصونیت ماهوی

این نوع مصونیت نماینده را به دلیل گفتار، نوشتار یا تصمیم گیری مرتبط با وظایف نمایندگی از مؤاخذه و تعقیب مصون می کند. این حمایت مطلق و دائمی است و حتی پس از پایان دوره نمایندگی نیز ادامه دارد. اما شرط آن است که نماینده در چهارچوب مصالح عمومی عمل کند و از مصونیت برای زیان به دیگران یا نقض قانون استفاده نکند.

۳-۴-۲. مصونیت شکلی

این مصونیت نماینده را از تعقیب یا بازداشت بدون اجازه مجلس محافظت می کند. هدف آن جلوگیری از اختلال در فعالیت پارلمان و حفظ حیثیت نهاد نمایندگی است. با این حال، در جرم مشهود امکان بازداشت وجود دارد. این مصونیت محدود به دوره نمایندگی است و پس از آن، نماینده مانند شهروندان دیگر تحت تعقیب قرار می گیرد.

۳-۵. وظایف و اختیارات قوه مقننه

قوه مقننه دو وظیفه بنیادین دارد: قانون گذاری و نظارت.

۳-۵-۱. قانون گذاری

قانون گذاری محصول دموکراسی و حاکمیت قانون در دوران جدید است. این فرایند با ارائه پیشنهاد قانون آغاز می شود که یا به صورت طرح از سوی نمایندگان یا به صورت لایحه از سوی دولت عرضه می گردد. فرایند تصویب شامل بررسی در کمیسیون ها، بررسی در صحن، رأی گیری درباره کلیات و جزئیات و ارجاع برای ارزیابی نهایی است. در ایران، مصوبات برای انطباق با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال می شود.

۳-۵-۲. نظارت

پارلمان تجلی نظارت عمومی است و با ابزارهایی مانند تحقیق و تفحص، سؤال، تذکر، استیضاح، نظارت بر اجرای بودجه و ارزیابی عملکرد مقامات، اجرای صحیح قوانین را دنبال می کند. این نظارت تضمین کننده رعایت قانون و جلوگیری از استبداد است.

۳-۶. ساختار داخلی پارلمان

برای انجام وظایف، پارلمان از سه جزء تشکیل شده است: هیئت رئیسه که اداره جلسات را برعهده دارد؛ سازمان اداری که امور پشتیبانی را تنظیم می کند؛ و کمیسیون های تخصصی که بررسی طرح ها، لوایح و امور نظارتی را انجام می دهند.

۳-۷. قوه مقننه در ایران

در ایران، ساختار قوه مقننه به دلیل ماهیت اسلامی نظام تحت نظارت ولی فقیه و شورای نگهبان است. قانون گذاری به دو شیوه انجام می شود: غیرمستقیم از طریق مجلس (اصل ۵۸) و مستقیم از طریق همه پرسی (اصل ۵۹). ساختار قانون گذاری یک مجلسی ـ دو رکنی است؛ مجلس شورای اسلامی رکن اصلی و شورای نگهبان رکن نظارتی است که بر انطباق مصوبات با شرع و قانون اساسی نظارت می کند. براساس اصل ۹۳، مجلس بدون شورای نگهبان در امر قانون گذاری اعتبار ندارد.

۳-۷-۳. مجلس شورای اسلامی

مجلس بر پایه آموزه های قرآنی درباره شورا و مشورت تأسیس شده است. نمایندگان هر چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می شوند. افتتاح مجلس با حضور حداقل دوسوم نمایندگان انجام می شود. در ابتدا، هیئت رئیسه سنی تشکیل می شود تا مراسم سوگند و بررسی اولیه اعتبار نامه ها را انجام دهد. سپس هیئت رئیسه دائم برای یک سال انتخاب می شود. بررسی اعتبار نامه ها نمادی از نظارت مضاعف بر انتخابات است؛ هرچند ممکن است زمینه ساز برخوردهای سیاسی شود. نمایندگان پس از تأیید اعتبار نامه، نماینده کل ملت اند و در برابر مردم مسئول اند. کمیسیون های تخصصی بخش مهم ساختار هستند و وظیفه آماده سازی طرح ها و لوایح و کمک به امر نظارت را برعهده دارند.

۳-۷-۱-۱ کلیات و ساختار سازمانی مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی بر پایه اصول ۶۲ و ۶۳ قانون اساسی شکل می گیرد و نمایندگان آن با رأی مستقیم و مخفی مردم برای دوره ای چهار ساله انتخاب می شوند. انتخابات باید پیش از پایان دوره برگزار شود تا نظم قانون گذاری و استمرار امور عمومی دچار وقفه نگردد. نمایندگان تا سقف ۷۰سالگی می توانند نامزد شوند. کیفیت، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بر عهده قانون است و قواعد انتخاباتی طی انقلاب بارها اصلاح شده است.

ساختار اداری و تشکیلات داخلی مجلس بر اساس آیین نامه داخلی تنظیم می شود و در طول ادوار تقنینی دستخوش اصلاحات می گردد. افتتاح رسمی مجلس پس از برگزاری انتخابات و معرفی رسمی برندگان و دریافت اعتبار نامه آنان صورت می گیرد. لازمه آغاز فعالیت مجلس، اعلام وزیر کشور و حضور حداقل دو سوم نمایندگان منتخب است.

در گام نخست، هیئت رئیسه سنی تشکیل می شود که از مسن ترین و جوان ترین نمایندگان تشکیل شده و وظیفه اش اداره جلسات ابتدایی، انجام تحلیف، و برگزاری انتخابات هیئت رئیسه موقت است. بر اساس اصل ۶۷، نمایندگان در جلسه نخست با سوگند رسمی تعهد می دهند تا پاسدار اسلام، حقوق ملت و قانون اساسی باشند.

در دومین جلسه، هیئت رئیسه موقت انتخاب می شود و وظایف اداری و حقوقی مجلس را تا زمان تصویب اعتبار نامه دو سوم نمایندگان برعهده می گیرد. سپس فرایند رسیدگی به اعتبار نامه نمایندگان انجام می شود. این اقدام علاوه بر تأیید صلاحیت فردی منتخبین، جنبه تأسیس شخصیت ملی مجلس دارد، زیرا نماینده پس از تأیید اعتبار نامه، نماینده کل ملت تلقی شده و نه فقط حوزه انتخابیه خود. این نهاد موجب انسجام ملی و یکپارچگی اراده عمومی است.

با تصویب اعتبار نامه حداقل دو سوم نمایندگان، هیئت رئیسه دائم انتخاب می شود که مرکب از رئیس، دو نائب رئیس، شش دبیر و سه ناظر است و برای مدت یک سال برگزیده می گردد.

مجلس برای کارآمدی، نظارت و تصویب طرح ها و لوایح، نیازمند تقسیم کار تخصصی است؛ از این رو کمیسیون های مختلف تشکیل می دهد. جایگاه کمیسیون ها در ساختار مجلس، ضرورتاً ناشی از حجم و پیچیدگی امور قانون گذاری و نظارتی است.

جلسات مجلس بر اساس اصل ۶۵ با حضور دوسوم نمایندگان رسمیت دارد و اصل بر علنی بودن جلسات است. انتشار مذاکرات از طریق رادیو و رسانه رسمی، موجب شفافیت، افزایش آگاهی عمومی و کاهش خودکامگی می گردد. در شرایط امنیتی و خاص، به درخواست رئیس جمهور یا جمعی از نمایندگان، جلسات غیر علنی تشکیل می شود. این جلسات تنها در صورت حضور شورای نگهبان و رأی سه چهارم نمایندگان اعتبار دارد و پس از رفع شرایط اضطراری باید نتایج آن منتشر شود.

مذاکرات پارلمانی با نطق ها و اظهار نظرهای موافق و مخالف انجام می شود و پس از بحث، در موارد لازم رأی گیری صورت می گیرد. حد نصاب رأی گیری متناسب با اهمیت موضوع متفاوت است؛ اکثریت مطلق برای مصوبات عادی و اکثریت های خاص (دو سوم، سه چهارم یا چهار پنجم) برای تصمیمات ویژه در نظر گرفته شده است.

اصل ۸۶ مصونیت نماینده را در مقام ایفای وظایف نمایندگی تضمین کرده است و او را از پیگرد به سبب گفتار و رأی در مجلس مصون می دارد، اما مصونیت شکلی (عدم تعرض) به صورت کامل در قانون اساسی نیامده است. پایان دوره

نمایندگی با سپری شدن دوره ۴ ساله محقق می شود، اما با استعفا، غیبت غیر موجه طولانی یا بیماری نیز ممکن است پیش از موعد خاتمه یابد.

۳-۷-۱-۱-۱ ساختار سازمانی مجلس شورای اسلامی

مجلس در بدو تأسیس پس از انتخابات و تشکیل رسمی، بر محور سه عنصر بنیادین فعالیت می کند: هیئت رئیسه، شعب و کمیسیون ها. محور اصلی اداره مجلس بر عهده هیئت رئیسه است که ابتدا موقت و سپس پس از تأیید اعتبار نامه ها رسمی می گردد.

هیئت رئیسه سنی، به عنوان نخستین ترکیب مدیریتی، اداره جلسه افتتاحیه را بر عهده دارد. پس از آن، هیئت رئیسه موقت تشکیل می شود که مسئولیت اداره امور داخلی و جلسات مجلس را تا زمان انتخاب هیئت رئیسه دائم بر عهده دارد. انتخاب هیئت رئیسه دائم، نقطه ثبات در اداره مجلس است و نظم تشکیلاتی آن را تضمین می کند.

شعب مجلس پس از تشکیل افتتاحیه با مهندسی سازمانی تقسیم بندی می گردند و نمایندگان را سامان دهی می کنند. بخشی از وظایف شعب، بررسی اعتبار نامه نمایندگان است.

از سوی دیگر، کمیسیون ها هسته های تخصصی مجلس اند که نقش مهمی در قانون گذاری و نظارت دارند. وجود این کمیسیون ها ناشی از تنوع حوزه های عمومی و تخصصی کشور است و امکان بررسی کارشناسی بهتر طرح ها و لوایح را فراهم می کند.

جلسات مجلس به دو صورت علنی و غیر علنی تشکیل می شود. علنی بودن مبناست تا امکان نظارت عمومی و تحقق شفافیت فراهم شود. در جلسات، نطق های نمایندگان و رأی گیری ها مطابق آیین نامه داخلی انجام می شود. انواع اکثریت های لازم برای تصویب تصمیمات در قانون اساسی و آیین نامه داخلی ذکر شده است.

مصونیت پارلمانی در اصل ۸۶ تضمین شده و نماینده را در برابر تعقیب به دلیل اظهار نظر و رأی محفوظ می دارد؛ هرچند مصونیت شکلی در قانون اساسی لحاظ نشده و در عمل مصونیت پارلمانی ناقص است.

۳-۷-۱-۱-۲ انواع کمیسیون ها

به منظور سامان دهی بهتر کار قانون گذاری و نظارتی، مجلس دارای انواع کمیسیون هاست:

کمیسیون های تخصصی: مطابق تقسیم بندی موضوعی کشور، این کمیسیون ها بر حوزه هایی مانند اقتصاد، فرهنگ، حقوق، آموزش، بهداشت، انرژی، کشاورزی، امنیت ملی و... نظارت دارند. وظیفه اصلی آن ها بررسی کارشناسی طرح ها و لوایح و تهیه گزارش نهایی جهت بررسی در صحن است.

کمیسیون های خاص: این کمیسیون ها وظایف ویژه دارند؛ مانند:

- کمیسیون اصل نود که مسئول رسیدگی به شکایات علیه طرز کار قوای سه گانه است؛
- کمیسیون تحقیق بررسی اعتبار نامه ها؛
- کمیسیون تدوین آیین نامه داخلی.

کمیسیون های ویژه و مشترک: این کمیسیون ها به طور موقت و برای مسائل مهم و استثنایی تشکیل می شوند.

اهمیت وجود کمیسیون ها در مجلس، افزایش مهارت کارشناسی در فرایند قانون گذاری و نظارت است؛ زیرا مجلس با پیچیدگی موضوعات متعدد کشور مواجه است و کمیسیون ها با تقسیم کار و بررسی دقیق تر، کیفیت قانون گذاری را ارتقا می دهند.

۳-۷-۱-۲ وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی: مجلس دو کارکرد اصلی دارد: **قانون گذاری و نظارت**. قانون گذاری، کارویژه بنیادی مجلس است؛ اما بدون نظارت، قانون گذاری فاقد ضمانت اجرا خواهد بود. مجلس در حوزه نظارت، ابزارهای گوناگونی دارد:

- تحقیق و تفحص از دستگاه ها
- سؤال و استیضاح وزرا و رئیس جمهور
- نظارت مالی و بودجه ای
- امکان رأی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور
- رسیدگی به شکایات از قوای سه گانه (اصل ۹۰)

آیین نامه داخلی، چارچوب اجرایی این وظایف را تعیین می کند.

۳-۷-۱-۲-۱ قانون گذاری

قانون گذاری طبق اصل تفکیک قوا به مجلس سپرده شده است. صلاحیت مجلس در این حوزه عام است و شامل همه موضوعات اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و... می شود؛ اما این صلاحیت محدود به رعایت شرع و قانون اساسی است و شورای نگهبان ناظر بر این انطباق است.

انواع قوانین

۱) قوانین عادی

۲) قوانین ارگانیک ـ که اجرای اصول قانون اساسی را تفصیل می دهد و مجلس در تصویب آنها مکلف است

۳) قوانین تفویضی ـ که بر پایه اصل ۸۵، در موارد ضروری و به صورت محدود و موقت، به کمیسیون ها یا دولت واگذار می شود

قوانین تفویضی شامل: قوانین آزمایشی - اساسنامه های مؤسسات و شرکت های دولتی - قوانین تفسیری

معاهدات بین المللی نیز در صلاحیت انحصاری مجلس است و پس از امضا از سوی دولت باید به تصویب مجلس برسند.

مراحل قانون گذاری

۱. پیشنهاد قانون

- طرح: پیشنهاد حداقل ۱۵ نماینده
- لایحه: پیشنهاد دولت

۲. بررسی در کمیسیون ها: ابتدا کلیات در مجلس تصویب می شود، سپس جزئیات به کمیسیون ارجاع و پس از اصلاحات دوباره در صحن بررسی می شود.

۳. نظارت شورای نگهبان: مصوبات جهت تطبیق با شرع و قانون اساسی بررسی و در صورت ایراد بازگردانده می شود.

۴. امضا و ابلاغ: پس از تأیید، رئیس جمهور موظف است مصوبه را امضا و برای اجرا ابلاغ کند؛ امتناع او موجب مسئولیت حقوقی است و در صورت استنکاف رئیس مجلس باید به روزنامه رسمی دستور انتشار دهد.

۵. انتشار و لازم الاجرا شدن: قانون در روزنامه رسمی منتشر می شود و ۱۵ روز پس از آن لازم الاجراست مگر اینکه ترتیب دیگری پیش بینی شده باشد.

۳-۷-۱-۲-۲ نظارت بر امور عمومی

مجلس شورای اسلامی افزون بر قانون گذاری، برای تحقق اصل نمایندگی، پاسخگویی و شفافیت، بر اجرای قانون و اداره امور عمومی کشور نظارت می کند. این نظارت عمدتاً متوجه قوه مجریه است؛ اما از جهت اصولی، قلمرو آن عام بوده و همه نهادهای حکومتی را دربر می گیرد.

۳-۷-۱-۲-۲-۱ نظارت عمومی و اطلاعی

این نظارت حداقلی و عام است و به صورت غیرتخصصی همه نهادها و مقامات حکومتی را شامل می شود. هدف آن جمع آوری اطلاعات درباره روند اداره کشور و اثرگذاری بر تصمیم سازی ها، ارتقای شفافیت، پاسخگویی و اصلاح قوانین است.

الف) کمیسیون اصل نود

بر اساس اصل ۹۰، مردم می توانند شکایات خود از عملکرد قوای سه گانه را به مجلس ارائه کنند. کمیسیون موظف به رسیدگی و پیگیری موضوع تا ارائه پاسخ کافی است.

قلمرو: قوای سه گانه (محدود و نه شامل همه نهادها)

آثار اقدامات: پاسخ به شاکی - تذکر به دستگاه ها و پیگیری رفع مشکل - فعال سازی سایر ابزارهای نظارتی نمایندگان - اطلاع رسانی عمومی.

کمیسیون اصل ۹۰ مرجع قضایی نیست؛ اما می تواند زمینه ارجاع پرونده به قوه قضائیه را فراهم کند.

ب) تحقیق و تفحص

به موجب اصل ۷۶، مجلس حق تحقیق و تفحص در «همه امور کشور» را دارد؛ حقی که متعلق به شخصیت حقوقی مجلس است و نه نماینده منفرد.

- **استثنا:** نهادهای زیرمجموعه رهبری، مجلس خبرگان، شورای نگهبان.
- **روند:** درخواست گروهی نمایندگان ← بررسی کمیسیون ← رأی مجلس ← انجام تحقیق ← قرائت گزارش.
- **آثار:** اطلاع رسانی، اصلاح قوانین، یا پیگیری قضایی تخلفات.

۳-۷-۱-۲-۲-۲ نظارت تصویبی

این نظارت بر تصمیمات مهم مرتبط با امنیت، استقلال، تمامیت ارضی، آزادی های بنیادین و منافع ملی اعمال می شود. بسیاری از این موارد در حیطه صلاحیت انحصاری یا مشترک مجلس اند و بدون تصویب مجلس اعتبار ندارند.

اهم مصادیق

الف) عهدنامه ها و موافقت نامه های بین المللی: بر اساس اصول ۷۷ و ۱۲۵، امضای قراردادهای بین المللی توسط دولت باید به تصویب مجلس برسد.

ب) تغییر خطوط مرزی: طبق اصل ۷۸، تغییر مرزها فقط با اصلاحات جزئی، رعایت مصالح کشور، حفظ استقلال و تصویب چهارپنجم نمایندگان ممکن است.

ج) اعمال محدودیت های ضروری: در شرایط اضطراری، دولت می تواند با تصویب مجلس محدودیت های لازم را برقرار کند؛ مدت آن حداکثر سی روز بوده و تمدید آن نیازمند مجوز جدید مجلس است (اصل ۷۹).

د) صلح دعاوی: صلح دعاوی مهم راجع به اموال عمومی یا ارجاع به داوری باید به تصویب هیئت وزیران برسد و به اطلاع مجلس برسد؛ در دعاوی مهم داخلی و طرف خارجی، تصویب مجلس الزامی است (اصل ۱۳۹).

ه) امتیاز تشکیل شرکت ها برای خارجیان: به موجب اصل ۸۱، اعطای امتیاز تشکیل شرکت ها به خارجیان «ممنوع» است.

و) استخدام کارشناسان خارجی: استخدام کارشناسان خارجی فقط در صورت ضرورت و با تصویب مجلس امکان پذیر است (اصل ۸۲).

ز) قرض و استقراض: گرفتن و دادن وام یا کمک بلاعوض توسط دولت منوط به تصویب مجلس است (اصل ۸۰).

ح) فروش بناها و اموال دولتی: انتقال اموال دولتی دارای ارزش ملی، تنها در صورت تصویب مجلس و با شرط عدم تک بودن اثر ممکن است (اصل ۸۳).

۳-۷-۱-۲-۲-۳ نظارت مالی

نظارت مالی ناظر بر کنترل و ارزیابی نحوه اداره امور بودجه ای و مالی کشور است و هدف آن پاسداری از بیت المال، اطمینان از تحقق درآمدهای ملی، کاهش هزینه های عمومی و رعایت قوانین مالی است. این نظارت بر همه نهادها و مقاماتی اعمال می شود که از بودجه عمومی استفاده می کنند. نهادهای رسمی نظارت مالی شامل مجلس، سازمان بازرسی کل کشور، دادگاه ها، وزارت اقتصاد و دیوان محاسبات است. رسانه ها و شهروندان نیز نظارت غیررسمی دارند.

بودجه سالانه کشور به موجب اصل ۵۲ توسط دولت تدوین و برای تصویب به مجلس تقدیم می شود. در زمان بررسی بودجه، مجلس فعالیت قانون گذاری عادی را متوقف کرده و به بررسی آن می پردازد.

قانون اساسی ابزارها و نهادهای نظارتی مالی مجلس را تعیین کرده است:

اصل ۵۱ وضع مالیات فقط با قانون؛

اصل ۵۳ تمرکز همه دریافت های دولت در خزانه و هزینه کرد صرفاً در حدود اعتبار مصوب؛

اصل ۵۴ پیش بینی دیوان محاسبات زیر نظر مجلس؛

اصل ۵۵ وظیفه حسابرسی دستگاه های مصرف کننده بودجه و ارائه گزارش تفریغ بودجه سالانه به مجلس.

شیوه های نظارتی

الف) نظارت عمومی: از طریق ابزارهایی مانند تذکر، سؤال، تحقیق و تفحص و استیضاح، مجلس انطباق عملکرد مالی دستگاه ها با قوانین را بررسی و از تخلف جلوگیری می کند.

ب) گزارش های کمیسیون ها: طبق ماده ۲۳ آیین نامه داخلی، کمیسیون ها بر اجرای تبصره های بودجه نظارت کرده و گزارش تهیه می کنند. در برخی تبصره ها نیز دستگاه ها مکلف به ارائه گزارش به مجلس هستند.

ج) نظارت دیوان محاسبات: دیوان محاسبات مؤثرترین بازوی نظارتی مالی مجلس است و مطابق قانون سال ۱۳۶۱ با هدف پاسداری از بیت المال تشکیل شده است. وظایف آن:

- کنترل عملیات مالی همه دستگاه های بهره مند از بودجه
- حسابرسی منابع و مصارف
- تدوین گزارش تفریغ بودجه و ارائه آن به مجلس

د) گزارش تفریغ بودجه

تفریغ بودجه پس از اجرای آن تهیه، تحلیل و به مجلس ارائه می شود. این گزارش در مجلس قرائت و در روزنامه رسمی منتشر می گردد. اهمیت آن در فراهم کردن اطلاعات لازم برای اصلاح قوانین و بهبود بودجه ریزی در سال های بعد است.

۳-۷-۱-۲-۲-۴ نظارت در تشکیل هیئت دولت

این نظارت هنگام شکل گیری دولت پس از انتخاب رئیس جمهور اعمال می شود و هدف آن انتقال غیرمستقیم حاکمیت ملت به اعضای قوه مجریه است تا علاوه بر رئیس جمهور، وزرا نیز تحت نظارت نمایندگان مردم قرار گیرند.

الف) اطلاع از برنامه دولت: رئیس جمهور برنامه کاری دولت را هنگام معرفی وزرا به مجلس ارائه می کند؛ این برنامه شامل شعارها، سیاست ها و نحوه اداره امور اجرایی است. مجلس آن را تصویب نمی کند اما اطلاع از آن، مبنای تصمیم گیری درباره رأی اعتماد محسوب می شود.

ب) رأی اعتماد به وزیر: رئیس جمهور وزرا را معرفی می کند و مجلس پس از سخنان موافق و مخالف، با رأی گیری درباره اعتماد تصمیم گیری می نماید. در صورت عدم کسب رأی اعتماد، رئیس جمهور موظف است ظرف سه ماه فرد دیگری را معرفی و تا آن زمان سرپرست موقت تعیین کند. هر وزیر هنگام تغییرات کابینه نیز نیازمند کسب رأی اعتماد مجدد است.

ج) رأی اعتماد به هیئت وزیران: پس از رأی اعتماد فردی به وزرا، مجلس یک بار دیگر به هیئت وزیران به عنوان شخصیت حقوقی واحد رأی اعتماد می دهد تا از هماهنگی سیاست ها در کابینه مطمئن شود. چنانچه پس از تشکیل کابینه نیمی از وزرا تغییر کنند، دولت باید مجدداً رأی اعتماد بگیرد. در مسائل مهم و مورد اختلاف نیز دولت می تواند داوطلبانه درخواست رأی گیری برای تجدید اعتماد کند.

۳-۷-۱-۲-۲-۵ نظارت سیاسی

نظارت سیاسی مؤثرترین ابزار پارلمان بر قوه مجریه است و حتی بدون وقوع تخلف قانونی، می تواند به منظور اصلاح مدیریت و تصمیمات سیاسی اعمال شود. هدف اصلی آن کنترل قدرت، افزایش پاسخگویی و شفافیت در دولت است.

الف) تذکر: نمایندگان می توانند در مورد نقض قانون یا سوء اداره به وزرا یا رئیس جمهور تذکر کتبی دهند؛ متن تذکر در مجلس قرائت می شود و جنبه هشداردهنده دارد.

ب) سؤال: ابزاری رسمی برای گفت وگو با مسئولان اجرایی است.

سؤال از وزیر: نماینده می تواند سؤال مطرح کند؛ در صورت عدم اقناع، موضوع به صحن آمده و پاسخ وزیر استماع می شود. این روند می تواند مقدمه استیضاح باشد.

سؤال از رئیس جمهور: با درخواست حداقل یک چهارم نمایندگان انجام می شود؛ رئیس جمهور باید ظرف یک ماه پاسخ دهد. هدف، شفافیت و پاسخگویی در سطح عالی است.

ج) استیضاح: شدیدترین ابزار نظارتی مجلس است که می تواند به عزل عضو دولت منجر شود.

استیضاح وزیر: با درخواست حداقل ۱۰ نماینده مطرح شده، وزیر موظف به حضور و ارائه توضیح است. رأی گیری نهایی بر عدم اعتماد انجام می شود و تنها رأی عدم اعتماد موجب عزل است.

استیضاح رئیس جمهور: با درخواست یک سوم نمایندگان انجام می شود. در صورت رأی دوسوم نمایندگان به عدم کفایت، موضوع به رهبر گزارش می شود و تصمیم نهایی با ایشان است.

۳-۷-۲ شورای نگهبان

قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و بیانگر آرمان ها و ارزش های بنیادین ملت، نیازمند نهادی برای نظارت و حراست از اجرای صحیح آن است. این وظیفه در جمهوری اسلامی ایران برعهده شورای نگهبان قرار گرفته است تا مانع نقض اصول قانون اساسی و موازین اسلامی از سوی مقامات و نهادهای حکومتی شود.

۳-۷-۲-۱ مبنای پاسداری از قانون اساسی

با توجه به اسلامی بودن نظام و تکیه آن بر اراده مردم، ضرورت دارد تصمیمات و مصوبات نهادهای حکومتی با احکام شرعی و اصول قانون اساسی سازگار باشد. قانون اساسی چارچوب رفتاری نهادها را تعیین کرده و برای جلوگیری از تجاوز مقامات از حدود خود، باید تصمیم ها با اصول قانون اساسی سنجیده شود.

اصل چهارم قانون اساسی مبنای صلاحیت شورای نگهبان است و می گوید همه قوانین و مقررات باید بر پایه موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر برعهده فقهای شورا است. نتیجه این نظارت، تحقق نظام مردم سالار دینی، تضمین حقوق ملت و حاکمیت قانون است.

۳-۷-۲-۲ ساختار شورای نگهبان

الف) ترکیب اعضا: بر اساس اصل ۹۱، شورا از ۱۲ عضو تشکیل می شود:

- ۶ فقیه عادل و آگاه به مقتضیات زمان که توسط رهبر منصوب می شوند.

- ۶ حقوقدان مسلمان در رشته های مختلف حقوقی که رئیس قوه قضائیه به مجلس معرفی می کند و با رأی مجلس انتخاب می شوند.

فقها پاسدار انطباق قوانین با شرع اند و حقوقدانان بر تطبیق قوانین با اصول قانون اساسی نظارت دارند. ترکیب شورا نماد پیوند جمهوریت و اسلامیت نظام است.

اعضا برای ۶ سال منصوب می گردند و امکان انتخاب مجدد وجود دارد. برای حفظ تداوم تجربیات، در نخستین دوره، پس از سه سال، نیمی از اعضا با قرعه تغییر می کنند. در صورت فوت، عزل یا استعفا، عضو جایگزین فقط ادامه دوره را می گذراند.

ب) اداره شورا: طبق آیین نامه، شورا دبیر، قائم مقام و سخنگو انتخاب می کند؛ مدت مسئولیت یک ساله و انتخاب مجدد بلامانع است. جلسات با حضور سه چهارم اعضا رسمیت می یابد.

۳-۲-۷-۳ وظایف و اختیارات

وظایف شورای نگهبان در قانون اساسی و قوانین عادی تعیین شده و شامل موارد زیر است:

الف) حضور در مجلس: به رغم اصل شخصی بودن نمایندگی، اعضای شورا در مذاکرات طرح ها و لوایح می توانند حضور یابند و در طرح های فوری حضورشان الزامی است. سبب این حضور، سهولت بررسی نهایی مصوبات و اطلاع از مقاصد قانون گذار است. شورا در مراسم تحلیف رئیس جمهور نیز حضور تشریفاتی دارد.

ب) نظارت شرعی بر قوانین گذشته

اصل چهارم شامل قوانین گذشته نیز هست. چنانچه قوانین گذشته خلاف شرع تشخیص داده شوند، قابلیت اجرا ندارند. فقهای شورا موظف اند پس از احراز مغایرت، موضوع را اعلام کنند و برای جلوگیری از خلأ قانونی، باید سریعاً قانون جایگزین وضع شود. اعلام مغایرت از سوی شورا زمان محدود ندارد.

ج) نظارت بر مصوبات مجلس

طبق اصل ۹۴:

- همه مصوبات مجلس باید برای انطباق با شرع و قانون اساسی به شورا ارسال شود.
- شورای نگهبان ظرف ۱۰ روز (با امکان تمدید ۱۰ روزه) نظر می دهد.
- اگر مغایرتی مشاهده شود، مصوبه به مجلس بازگردانده می شود؛ در غیر این صورت لازم الاجرا است.

نکات مهم:

۱- عبارت «کلیه مصوبات» شامل لوایح، طرح ها، اساسنامه ها و عهدنامه های بین المللی است.

۲- مصوبات نظارتی مجلس مشمول ارسال نیستند.

۳- حتی اگر با قانون اساسی سازگار باشد اما با شرع مخالف باشد، تأیید نمی شود.

٤- اگر شورا نظر ندهد، مصوبه خودبه خود لازم الاجرا می شود.

د) نظارت شرعی بر مصوبات قوه مجریه: تمام مصوبات دولت نیز باید با شرع سازگار باشد. طبق اصل ۱۷۰ و قانون دیوان عدالت اداری، اگر مصوبه ای مغایر شرع تشخیص داده شود، فقهای شورا نظر می دهند و دیوان عدالت آن را ابطال می کند. مهم ترین تفاوت با مصوبات مجلس: نظارت بر مصوبات دولت بعد از اجرا و پس از شکایت انجام می شود.

ه) تفسیر قانون اساسی: اصل ۹۸ تفسیر قانون اساسی را به عهده شورا گذاشته است.

- تفسیر با رأی سه چهارم اعضا انجام می شود.
- تفسیر در حکم قانون اساسی است و الزام آور محسوب می شود.
- درخواست تفسیر از سوی رهبری، رؤسای سه قوه یا اعضای شورا پذیرفته می شود.
- شورا الزامی به تفسیر ندارد و اختیار تشخیص نیاز به تفسیر با خود اوست.

اگر حد نصاب لازم حاصل نشود، نظر شورا صرفاً مشورتی است و الزام آور نیست.

و) نظارت بر انتخابات: اصل ۹۹ نظارت بر انتخابات زیر را برعهده شورا گذاشته است:

- ریاست جمهوری - مجلس شورای اسلامی - مجلس خبرگان - همه پرسی ها

هدف از نظارت، حفظ صحت انتخابات، تضمین حقوق سیاسی ملت، پیشگیری از جرایم انتخاباتی، افزایش اعتماد عمومی و ایجاد رقابت سالم است.

فصل چهارم: قوه قضائیه

۴-۱ ماهیت و کارکرد قوه قضائیه

زندگی اجتماعی به سبب تضاد منافع و دیدگاه ها همواره با تنش همراه است و برای پیشگیری از آسیب به حقوق فردی و اجتماعی، نهاد قضایی شکل گرفته است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه وظیفه تحقق عدالت، نظارت بر اجرای قوانین و پاسداری از حقوق مردم را دارد و تحت زعامت رهبری فعالیت می کند.

قوه قضائیه در ساختار تفکیک قوا مسئول حل و فصل اختلافات و رسیدگی به دعاوی است. این نهاد باید مستقل و بی طرف باشد و از نفوذهای سیاسی و گروهی دور بماند؛ در غیر این صورت، امنیت عمومی و حقوق شهروندان آسیب می بیند.

کارکردهای مهم قوه قضائیه:

اعمال حاکمیت قانون - نظارت و کنترل قدرت سیاسی - تحقق عدالت و امنیت اجتماعی - پاسداری از حقوق و آزادی های مردم - رسیدگی و حل اختلافات - صدور حکم بر پایه قانون و انصاف - تعقیب و مجازات مجرمان - پیشگیری از جرم و اصلاح بزه دیدگان- کمک به روند قانون گذاری -تفسیر صحیح قوانین در دادگاه ها

۴-۲ شیوه های گزینش قضات

۴-۲-۱ روش انتخابی

در این روش قضات با رأی مردم انتخاب می شوند. هدف، مشارکت عمومی و پاسخگو کردن قاضی است.

عیب اصلی: نفوذ مسائل سیاسی، کاهش تخصص و ثبات.

نمونه ها: سوئیس و انگلستان (نسبتاً موفق)، آمریکا (موفقیت پایین).

۴-۲-۲ روش انتصابی

در این روش قضات توسط مقامات یا نهادها منصوب می شوند.

عیب اصلی: احتمال نقض استقلال دستگاه قضایی و تأثیر سیاسی.

نمونه ها: آمریکا (قضات فدرال توسط رئیس جمهور)، آلمان، فرانسه، برزیل.

در ایران، قضات توسط رئیس قوه قضائیه انتخاب می شوند.

۴-۳ استقلال قضایی

استقلال قضایی برای حفظ حقوق شهروندان و اجرای عادلانه قانون ضروری است و دو بُعد دارد:

۴-۳-۱ استقلال دستگاه قضایی: این استقلال یعنی قوه قضائیه نباید زیر نفوذ سایر قوا باشد و باید بدون دخالت بیرونی وظایف خود را انجام دهد.

۴-۳-۲ استقلال رفتار قاضی: قاضی باید هنگام صدور رأی از نفوذ سیاسی و فشارهای خارجی مصون باشد. حقوق شغلی، امنیت مالی، و عدم وابستگی قاضی به طرفین دعوا از شرایط ضروری برای تحقق این استقلال است.

۴-۴ سازمان داخلی قوه قضائیه

قوه قضائیه شامل نهادهای اصلی زیر است:

- دادگاه های عالی: بالاترین مرجع رسیدگی و ناظر بر قانون اساسی گرایی مصوبات.
- دادگاه های تجدیدنظر: بررسی و اصلاح آرای دادگاه های بدوی.
- دادگاه های بدوی (نخستین): رسیدگی اولیه به دعاوی مدنی و کیفری.
- دادگاه های اختصاصی: رسیدگی به جرائم و دعاوی خاص (نظامی، اداری...).
- دادسرا و دادستان: پیگیری جرائم، حفظ حقوق عمومی.
- دادگاه های جزایی: رسیدگی به جرائم همراه با دادسرا.
- هیئت منصفه: مشارکت نمایندگان افکار عمومی؛ در ایران نظر آنها مشورتی است.

۴-۵ قوه قضائیه در ایران

قوه قضائیه نهادی مستقل است که با هدف تحقق عدالت اسلامی، حفظ حقوق مردم و تأمین امنیت فعالیت می کند.

۴-۵-۱ موقعیت قوه قضائیه در تفکیک قوا

این قوه برای جلوگیری از دخالت های بیرونی دارای تضمین های زیر است:

۱. رئیس قوه قضائیه با حکم رهبری منصوب می شود.

۲. قوه قضائیه تحت نظارت مستقیم مجلس نیست.

۳. قضات توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می شوند.

۴. اختیارات قضایی منحصراً در دادگاه ها اعمال می شود.

۵. شهروندان می توانند مستقیماً به دادگاه مراجعه کنند.

استقلال قاضی: طبق اصل ۱۶۴ قانون اساسی، قاضی قابل عزل از مقام خود نیست مگر با محاکمه و اثبات تخلف.

۴-۵-۲ اهداف قوه قضائیه: طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی:

برقراری عدالت و نظم - تضمین امنیت و حقوق شهروندی - کنترل قدرت سیاسی - احیای حقوق عامه و رفع ظلم

۴-۵-۳ وظایف قوه قضائیه: بر پایه اصل ۱۵۶:

رسیدگی به شکایات و صدور حکم - احیای حقوق عامه و توسعه آزادی های مشروع - نظارت بر حسن اجرای قوانین

کشف جرم و مجازات مجرمان - پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان

۴-۵-۴ ساختار تشکیلاتی

عناصر اصلی: مقام رهبری - رئیس قوه قضائیه – قضات - دادگاه ها - وزارت دادگستری - نهادهای اجرایی و نظارتی

۴-۵-۴-۱ مقام رهبری

رهبری در رأس قدرت قضایی است و اختیارات آن شامل نظارت عالیه و تعیین سیاست های کلی است. اختیارات قاضی در فقه شامل حل و فصل دعاوی، ولایت بر محجورین، اجرای حدود و... است. در عمل، این اختیارات به رئیس قوه قضائیه تفویض می شود.

۴-۵-۴-۲ رئیس قوه قضائیه

بعد از رهبری عالی ترین مقام قضایی است؛ مدیر امور قضایی و نماینده رهبری در حوزه قضا محسوب می شود.

وی باید شجاعت، تقوا، عدالت و اجتهاد داشته باشد.

مدت مسئولیت: ۵ سال با امکان تمدید؛ عزل توسط رهبری در صورت فقدان صلاحیت.

۴-۵-۴-۳ قضات

قضات مهم ترین رکن قوه قضائیه اند و عمده وظایف این نهاد را انجام می دهند. شرایط انتخاب آنان بر پایه ضوابط شرعی و قانونی است که از اختیارات ولی فقیه نشأت می گیرد. طبق قانون، ویژگی های لازم برای تصدی قضا عبارت اند از: ایمان، عدالت، تعهد عملی به موازین اسلامی، طهارت مولد، تابعیت ایرانی، سلامت جسمی و روانی و داشتن اجتهاد یا اجازه قضا از رئیس قوه قضائیه.

درباره شرط مرد بودن اختلاف نظر وجود داشته، اما پس از اصلاحات قانونی، زنان نیز می توانند در پست های قضایی فعالیت کنند. با توجه به دشواری شرط اجتهاد، عملاً بسیاری از قضات با اجازه ولی فقیه یا رئیس قوه منصوب می شوند.

۴-۵-۴-۳-۱ وظایف و اختیارات قضات

رسیدگی به دعاوی: قاضی موظف است به شکایات رسیدگی کند و در صورت سکوت قانون، با رجوع به منابع معتبر اسلامی رأی دهد.

- عدم اجرای مصوبات خلاف شرع و قانون: قاضی می تواند از اجرای مقررات مغایر امتناع کند.
- تفسیر قوانین در مقام دادرسی: به شرط رعایت ضوابط شرعی و قانونی.
- صدور حکم: باید مستدل و مستند باشد و در کوتاه ترین زمان ممکن اعلام گردد.

۴-۵-۴-۳-۲ مصونیت قضایی

برای حفظ استقلال قضات، اصل بر عدم عزل آنان است. تغییر سمت یا محل خدمت بدون رضایت قاضی ممنوع است؛ مگر به مصلحت جامعه و با تشخیص رئیس قوه قضائیه. عزل تنها پس از اثبات جرم یا تخلف قابل انفصال امکان پذیر است.

۴-۵-۴-۳-۳ رسیدگی به تخلفات قضات

رسیدگی به تخلفات بر اساس قانون نظارت بر رفتار قضات (۱۳۹۲) انجام می شود.

مراجع رسیدگی: دادگاه عالی انتظامی و تجدیدنظر، دادسرای انتظامی قضات، دادگاه عالی صلاحیت.

مجازات ها: توبیخ، کسر حقوق، تنزل درجه، انفصال موقت یا دائم، تبدیل به وضعیت اداری و بازنشستگی.

۴-۵-۴-۳-۴ تقصیر و اشتباه در حکم: اگر قاضی عمداً حکم خلاف صادر کند، مسئول جبران خسارت است. در صورت اشتباه غیرعمد، دولت خسارت را جبران می کند و اعاده حیثیت ضروری است.

۴-۵-۴-۴ وزیر دادگستری: با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و رأی مجلس منصوب می شود. وظایف اصلی:

- تنظیم ارتباط قوه قضائیه با سایر قوا
- پیگیری لوایح قضایی و امور استخدامی و مالی در حدود تفویض

۴-۵-۴-۵ دادگاه ها: بر اساس اصول ۱۵۶، ۱۵۹ و ۳۶ قانون اساسی، دادگستری مرجع رسمی تظلمات بوده و فقط دادگاه صالح می تواند حکم به مجازات دهد. دادگاه ها باید بر مبنای قانون و موازین اسلامی تشکیل شوند تا امنیت قضایی و عدالت تضمین شود.

انواع متعددی از دادگاه ها و نهادهای قضایی:

الف) دیوان عالی کشور: دیوان عالی کشور بالاترین مرجع قضایی است و با هدف ایجاد وحدت رویه و نظارت بر اجرای صحیح قوانین فعالیت می کند. رئیس دیوان باید مجتهد عادل و متخصص باشد و توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می شود.

وظایف اصلی:

۱) نظارت بر حسن اجرای قوانین،

۲) صدور رأی وحدت رویه،

۳) رسیدگی به اتهامات رئیس جمهور،

۴) حل اختلاف بین مراجع قضایی.

ب) دادسرا و دادستان کل: دادسرا نهادی برای صیانت از حقوق عمومی و تعقیب جرائم است. دادستان کل که باید مجتهد عادل باشد، به عنوان نماینده جامعه به تعقیب مجرم می پردازد. وظایف او شامل ارجاع پرونده ها، اعلام نظر درباره قرارها، صدور کیفرخواست و حضور در جلسه دادگاه است.

ج) دادگاه های عمومی: این دادگاه ها صلاحیت رسیدگی به همه دعاوی را دارند مگر موارد استثنایی.

حقوقی: رسیدگی به امور غیر مجرمانه

کیفری: رسیدگی به جرائم

احکام آن ها قابل تجدیدنظر در دادگاه های تجدیدنظر استان است. دادسرا نیز مقدمات تعقیب و تحقیق را انجام می دهد.

د) دادگاه های اختصاصی: برای رسیدگی تخصصی به موضوعات خاص ایجاد شده اند:

۱) دادگاه انقلاب: پس از انقلاب برای رسیدگی به جرائم امنیتی، مواد مخدر، توهین به رهبری و موارد خاص تشکیل شد.

۲) دیوان عدالت اداری: مرجع رسیدگی به شکایات مردم از تصمیمات اداری است. زیر نظر رئیس قوه قضائیه فعالیت کرده و وظیفه آن احقاق حق مردم در برابر دولت است.

۳) دادگاه نظامی: ویژه رسیدگی به جرائم نظامیان در حوزه وظایف خاص آنان. جرائم عمومی نظامیان در دادگاه های عمومی رسیدگی می شود.

۴) دادگاه ویژه روحانیت: به دستور امام (۱۳۶۶) برای رسیدگی به جرائم روحانیون تشکیل شد. زیر نظر رهبری فعالیت می کند و صلاحیت آن اختصاصی است.

۴-۵-۴-۶ محاکمات: محاکم باید علنی باشند تا شفافیت و نظارت عمومی تضمین شود. طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی باید علنی و با حضور هیئت منصفه باشد.

نکات کلیدی:

۱) حضور هیئت منصفه الزامی است.

۲) انگیزه جرائم سیاسی غالباً عمومی است.

۳) هیئت منصفه نماینده افکار عمومی است.

۴) نظر هیئت منصفه مشورتی بوده و رأی نهایی با قاضی است.

۴-۵-۶- برخی نهادهای زیر مجموعه قوه قضائیه:

الف) سازمان بازرسی کل کشور: به منظور نظارت بر عملکرد دستگاه های دولتی طبق اصل ۱۷۴ قانون اساسی تأسیس شده و زیر نظر رئیس قوه قضائیه فعالیت می کند. رئیس سازمان از میان قضات باتجربه انتخاب می شود. بازرسی ها به صورت مستمر، فوق العاده و بر اساس گزارش مردمی انجام می گیرد. نتایج به مقامات مربوط ارائه و در صورت وجود جرم به مراجع قضایی ارسال می شود.

ب) شورای حل اختلاف: با هدف مشارکت مردم در حل اختلافات و کاهش بار محاکم در سال ۱۳۷۹ ایجاد شد. وظیفه اصلی آن صلح و سازش در امور حقوقی، مدنی، جرائم قابل گذشت و جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت است. صلاحیت مالی آن در دعاوی تا سقف ۲۰۰ میلیون ریال می باشد.

ج) سازمان پزشکی قانونی: مرجع تخصصی ارائه نظر کارشناسی پزشکی در امور قضایی است. وظایف آن شامل کالبدشکافی، بررسی های آزمایشگاهی، معاینات بالینی و پاسخ به استعلام مراجع رسمی است.

د) سازمان ثبت اسناد و املاک کشور: وظیفه ثبت و تثبیت مالکیت، اسناد، املاک و احوال شخصیه را بر عهده دارد. دفاتر اسناد رسمی و دفاتر ازدواج و طلاق زیرنظر این سازمان فعالیت می کنند.

ه) مرکز امور مشاوران و وکلا: به موجب برنامه سوم توسعه ایجاد شد. وظایف آن شامل صدور پروانه وکالت و مشاوره حقوقی، کارآموزی و تعیین ظرفیت و حوزه فعالیت وکلا است. هدف، افزایش دسترسی مردم به خدمات حقوقی است.

فصل پنجم: نهادهای اساسی خاص

مقدمه

به منظور تأمین مصالح ملی، امنیت عمومی، و افزایش کارآمدی حکمرانی، برخی نهادها در جمهوری اسلامی ایران خارج از ساختار قوای سه گانه ایجاد شده اند. مهم ترین آن ها عبارت اند از: مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای بازنگری قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، شوراهای اسلامی محلی و سازمان صدا و سیما. این نهادها هر یک به منظور پاسخ به نیازهای خاص کشور در حوزه های قانون گذاری، سیاست گذاری، امنیت، فرهنگ و اداره محلی ایجاد شده اند.

۵-۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام

۵-۱-۱ مبانی ایجاد

نظام قانون گذاری در جمهوری اسلامی ایران بر پایه حاکمیت شریعت و احکام اسلامی بنا شده و مجلس و شورای نگهبان دو رکن اصلی آن هستند. اختلاف های مکرر میان مجلس و شورای نگهبان در خصوص انطباق مصوبات با شرع و قانون اساسی، به ویژه در دهه نخست پس از انقلاب، موجب ایجاد اختلالات قانونی و تهدید منافع عمومی شد. برای حل این چالش، در سال ۱۳۶۷ به دستور امام خمینی(ره)، مجمع تشخیص مصلحت نظام شکل گرفت تا در موارد اختلاف و تعیین مصلحت عمومی تصمیم گیری کند. این نهاد در بازنگری سال ۱۳۶۸ قانون اساسی رسمیت یافت.

۵-۱-۲ مفهوم مصلحت

واژه مصلحت در لغت به معنای جلب منفعت و دفع ضرر است. در اصطلاح فقهی نیز ناظر به منافعی است که شارع مقدس برای حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال مردم تشریع کرده است. مصلحت، مبنایی برای تصمیم گیری در موارد تزاحم میان منافع عمومی و اجرای ظاهری احکام اولیه است و رسالت مجمع تشخیص، تشخیص همین مصالح در تعارض میان مجلس و شورای نگهبان است.

۵-۱-۳ احکام اولیه، ثانویه و حکومتی

احکام در نظام اسلامی به سه دسته تقسیم می شوند:

۱) **احکام اولیه**: دائمی و تغییر ناپذیر مانند نماز.

۲) **احکام ثانویه**: موقت و مبتنی بر اضطرار و حرج.

۳) **احکام حکومتی**: تصمیمات حاکم برای اداره جامعه، حتی خلاف حکم اولیه، مانند تعطیلی حج سال ۱۳۶۶.

احکام حکومتی قلمرو اجتماعی و مدیریتی دارند و با احکام ثانویه که ناظر به شرایط فردی هستند، تفاوت دارند.

۵-۱-۴ ساختار مجمع

مجمع تشخیص به عنوان بازوی مشورتی و اجرایی رهبری فعالیت می کند و در سه بخش شورا، کمیسیون ها و دبیرخانه سازمان دهی شده است. اعضا شامل شخصیت های حقیقی و حقوقی همچون بخشی از فقهای شورای نگهبان، رؤسای قوا و کارشناسان منتخب رهبری هستند.

۵-۲ شورای بازنگری قانون اساسی

۵-۲-۱ روند شکل گیری: در سال ۱۳۶۸ امام خمینی(ره) با توجه به ضرورت بازنگری ساختاری، فرمان بازنگری در قانون اساسی را صادر کرد. شورای بازنگری تشکیل، اصلاحات جدید را تدوین و به تأیید مقام رهبری (آیت الله خامنه ای) رسید. نهایتاً در همه پرسی ۶ مرداد ۱۳۶۸ تغییرات تصویب شد.

۵-۲-۲ ترکیب شورا: طبق اصل ۱۷۷:

اعضای شورای نگهبان - رؤسای قوای سه گانه - اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت - پنج عضو خبرگان - ده نفر منتخب رهبری - سه وزیر و سه قاضی - ده نماینده مجلس - سه دانشگاهی

۵-۲-۳ همه پرسی

مصوبات شورا پس از تأیید رهبری به همه پرسی گذاشته می شود و با رأی اکثریت شرکت کنندگان تصویب خواهد شد. نکته انتقادی این است که رأی اکثریت صرفاً بر اساس مشارکت کنندگان سنجیده می شود.

۵-۲-۴ محدودیت بازنگری: بازنگری نباید موجب تغییر اصول اساسی شود و اصولی چون:

- اسلامیت نظام
- ولایت فقیه
- جمهوری بودن حکومت
- مذهب رسمی تشیع
- و نهادهایی چون شورای نگهبان

غیرقابل تغییر هستند.

۵-۳ شورای عالی امنیت ملی

۵-۳-۱ ماهیت و اهداف: بر اساس اصل ۱۷۶، برای حفظ منافع ملی، پاسداری از انقلاب، و صیانت از تمامیت ارضی تشکیل شده است. نقش شورا، تصمیم گیری کلان امنیتی است و نهاد اجرایی محسوب نمی شود.

۵-۳-۲ ساختار

اعضای شورا: رؤسای قوا - رئیس جمهور (رئیس شورا) - فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح - وزرای کشور، اطلاعات، خارجه دو نماینده رهبری - مقامات عالی ارتش و سپاه

زیر مجموعه آن، شورای دفاع و شورای امنیت کشور فعالیت دارند.

۵-۳-۳ وظایف

- تعیین سیاست های دفاعی–امنیتی در چارچوب رهبری
- هماهنگی ارکان امنیتی
- بهره گیری از امکانات برای مقابله با تهدیدها

مصوبات شورا با تأیید رهبری لازم الاجراست.

۵-۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی

۵-۴-۱ شکل گیری و اهداف: پس از انقلاب، برای اصلاح ساختار فرهنگی و علمی و جایگزینی ارزش های اسلامی، با فرمان امام خمینی(ره) ابتدا ستاد انقلاب فرهنگی (۱۳۵۹) و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۳) ایجاد شد. هدف آن هدایت کلان حوزه فرهنگ و آموزش در کشور است.

اهداف: گسترش فرهنگ اسلامی - پالایش محیط های علمی و فرهنگی - تحول نظام آموزشی - تربیت نیروهای متخصص معتقد

۵-۴-۲ مصوبات

هرچند شورا در قانون اساسی ذکر نشده، اما بر اساس فرمان امام(ره) و قانون، مصوبات آن لازم الاجراست. با آنکه مجلس حق قانون گذاری دارد، مصوبات شورا در حوزه فرهنگ و آموزش معتبر و الزام آور است. با این حال، نظارت حقوقی روشن بر مصوبات آن محل بحث است.

۵-۵ شورای عالی فضای مجازی

۵-۵-۱ ضرورت و تشکیل

گسترش اینترنت تهدیداتی برای امنیت، هویت فرهنگی، و حقوق شهروندی ایجاد کرد. مقام رهبری در اسفند ۱۳۹۰ با دستور ایجاد شورای عالی فضای مجازی، بر ضرورت سیاست گذاری متمرکز در این عرصه تأکید کردند. شورا با حضور سران قوا، نهادهای امنیتی، و اعضای حقیقی تشکیل شد. ذیل آن، مرکز ملی فضای مجازی تأسیس شد.

۵-۵-۲ اختیارات: بر اساس اساسنامه مرکز ملی:

سیاست گذاری و تصمیم گیری کلان - هماهنگی نهادها - پایش تهدیدها و فرصت ها - دفاع سایبری - تنظیم تقسیم کار ملی - آینده پژوهی و رصد - مشارکت بین المللی - تخصیص بودجه طرح های کلان

۵-۵-۳ جایگاه حقوقی مصوبات: با توجه به تأسیس شور توسط رهبری، مصوبات آن لازم الاجراست و در حکم مقررات عمومی محسوب می شود. لذا دیوان عدالت اداری می تواند نسبت به آن ها از حیث مغایرت با قوانین و خروج از صلاحیت رسیدگی کند.

۵-۶ شوراهای اسلامی محلی

۵-۶-۱ مبانی و فلسفه: با توجه به گستردگی کشور، بخش مهمی از امور محلی باید به مردم واگذار شود تا مشارکت عمومی به صورت واقعی شکل گیرد. شوراها مظهر مردم سالاری اند و در قرآن نیز به شورا سفارش شده است. کارکرد شوراها، کمک به اداره امور محلی و جلوگیری از تمرکز قدرت است.

۵-۶-۲ نظام حقوقی: شوراها براساس نظام عدم تمرکز شکل می گیرند و دارای:

- شخصیت حقوقی مستقل - تصمیم گیری محلی - انتخاب نمایندگان توسط مردم

هستند. دولت نظارت عالیه دارد تا از تعارض با منافع عمومی جلوگیری شود.

۵-۶-۳ جایگاه در قانون اساسی

قانون اساسی شوراها را جزء ارکان تصمیم گیری و نظارتی می داند:

- شأن تصمیم گیری: تصویب مقررات محلی
- شأن نظارتی: نظارت بر دستگاه های محلی
- شأن اجرایی: تعیین مقامات اجرایی محلی

انتخابات توسط وزارت کشور برگزار می شود و نظارت استصوابی بر عهده هیئت نظارت مجلس است.

۵-۶-۴ انواع شوراها

روستا – بخش – شهر – شهرستان – استان - شورای عالی استان ها

که عالی ترین سطح و واسطه میان مجلس و شوراهای استان هاست.

۵-۶-۵ نظارت

نظارت بر شوراها از طریق، هیئت های حل اختلاف و دیوان عدالت اداری انجام می شود. سلب عضویت و انحلال نیز با شرایط خاص و حق اعتراض در دادگاه ممکن است.

۵-۶-۶ ابطال مصوبات: مصوبات شوراها در صورت مغایرت با قانون یا شرع یا خروج از صلاحیت توسط دیوان عدالت ابطال می شود. در غیر این صورت لازم الاجرا هستند.

۵-۷ سازمان صدا و سیما

۵-۷-۱ ضرورت: رسانه ملی نقش مهمی در آگاه سازی عمومی، نظارت اجتماعی، ایجاد شفافیت و انتقال مطالبات مردم دارد. حق دسترسی به اطلاعات از حقوق بنیادین بشر است.

۵-۷-۲ نظام حقوقی

طبق اصول ۱۱۰ و ۱۷۵ قانون اساسی، صداوسیما زیر نظر رهبری اداره می شود. نظارت اطلاعی آن بر عهده شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه است تا از بی طرفی و تنوع دیدگاه ها اطمینان حاصل شود. قانون ۱۳۶۱ اصول و خط مشی کلی سازمان را تعیین کرده و بر رعایت انصاف و بیان دیدگاه های مختلف تأکید دارد.

ایران عرضه
IRANARZE.IR
فروشگاه کالاهای دانلودی

حقوق اساسی

حقوق اساسی از دو بخش

۱-حقوق law,legal,rights

۲-اساسی constitutional

تعریف حقوق

معنی لغوی : دستمزد-امتیازات

معنی اصطلاحی :مجموعه قواعد و مقرراتی که به منظور برقراری نظم و عدالت در یک جامعه بر روابط افراد حاکم است واز ضمانت اجرای دولت برخوردار است .

تعریف حقوق اساسی :

مجموعه قوانینی که روابط افراد با دولت و روابط دستگاههای دولتی را باهم تنظیم می کند .حقوق نهادهای سیاسی است.

نهاد: یک مجموعه ای است که متشکل از روابط متقابل ،درهم تنیده وسازمان یافته که معطوف به یک هدف خاص است .مثل ازدواج

انواع نهاد:

۱ -نهاد مدنی یا غیر سیاسی :مثل ازدواج –طلاق –بیع که مربوط به افراد می باشد.

۲ -نهاد غیر مدنی (سیاسی) :مربوط به افراد نیست ونهادهائی برای کسب قدرت ،حفظ قدرت توزیع قدرت مثل احزاب ،وزارتخانه ها

دانلود سوالات آزمون
راهنمای کامل آزمون

دولت شهرهای یونان:

در آغاز اجتماعات بشری دولت مرکزی و حکومت مرکزی به شکل امروزی وجود نداشت ومباحث ابتدائی مربوط به حقوق اساسی در روم باستان و یونان باستان شکل گرفت .مفهوم مرکزی این بحث دولت شهر بود .درآن زمان هر شهر برای خود دولتی داشت که از مجلسی متشکل از مردان (بردگان زنان در این مجلس پذیرفته نمی شدند) و این مجلس در مورد امور اساسی زندگی شهری تصمیم گیری می کردند. با توجه به اینکه این مجالس مختص هر شهر بودند .برای توصیف نحوه اجرای سیاسی در این شهرها از واژه دولت شهر استفاده میشد .بعد از نابودی روم باستان ویونان باستان، دوره قرون وسطی آغاز می شود که دراین دوره حاکمیت اسقوف کلیسا آغاز می شود .بعد از قرون وسطی عصر رنسانس آغاز میشود .ژان ژاک روسو اندیشمند فرانسوی الاصل در سال ۱۷۶۲ کتاب قرار اجتماعی را تالیف کرد.اندیشه وی : انسان آزاد بدنیا آمده وحق دارد بطور آزادانه به فعالیتهای مادی ومعنوی بپردازد.از سوی دیگر انسان یک موجود اجتماعی است وبنابراین برای زندگی در اجتماع باید آزادی خود را محدود کند تا دچار تضاد منافع با دیگران نشود .بنابراین افراد با حضور در جامعه تن به یک قرارداد اجباری با دیگر افراد جامعه می دهند.براساس این قرارداد هرکس جواز زندگی در جامعه را به ازاء صرف نظر کردن از بخشی از آزادی هایش کسب می کند.

دو سند مهم براساس نظریه ژان روسو:

۱-اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶

۲-اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹

بعد از این دو سند کم کم قوانین اساسی در کشورها شکل گرفت.

هدف از نگارش قانون اساسی:

۱-تنظیم قدرت سیاسی و جلوگیری از استبداد سیاسی

۲-حمایت و دفاع از حقوق و آزادی های مردم

منابع حقوق اساسی:

۱-نوشته شده مکتوب

۲-منابع عرفی

۳-برگرفته از سایر علوم اجتماعی

نوشته شده مکتوب:

الف) قانون اساسی:مجموعه قوانین ومقرراتی که نوع حکومت ،وظایف ومسئولیت های قوای سه گانه روابط آنها باهم وحقوق وآزادی های مردم را مشخص می کند.

ب) قوانین ساختاری : قوانینی که تکمیل کننده متن قانون اساسی بشمار می آید.

ج)قوانین عادی مصوب دستگاههای قانون گذار (مجلس شورا) : این قوانین که برای بهتر فهمیدن قانون اساسی لازم هستند مثلاً هیچ کس را نمیتوان تبعید کرد مگر به حکم قانون

د)اعمال قوه مجریه (هیات دولت ،رئیس جمهور و وزارتخانه)
تصویب نامه ها وتصمیمات هیات دولت و مسئولان سیاسی کشور

ذ) آراء و تفاسیر دستگاههای نظارت بر قانون اساسی : در هر کشور نهادی برای ارائه تفسیر نهائی از قانون اساسی و نظارت بر نحوه اجرای آن در نظر گرفته شده که آراءتفاسیر آن از جمله منابع حقوق اساسی است .

ر)مذاکرات مجلس قانون گذاری نظیر سئوال از وزراء و استیضاح آنها

ز)سایر منابع شامل آثار اساتید علم حقوق ،اساسنامه ،مرامنامه احزاب

۲–منابع عرفی :مقصود از منابع عرفی رفتارهای واقعی است که تکرار گردیده تبدیل به عادت شده وترک آنها موجب آشفتگی اجتماعی یا اعتراض می شود.بعنوان مثال می توان به انگلستان اشاره کرد که فاقد قانون اساسی مکتوب است ومنابع عرفی بخش اعظم منابع حقوقی این کشور را تشکیل می دهند .این منابع عبارتند از قوانین پارلمان آئین نامه های دولتی ،اسناد صادر شده توسط مقام سلطنت و رویه های قضائی .

۳–برگرفته از سایر علوم اجتماعی :استفاده از شیوه های سایر علوم اجتماعی مانند علوم آماری ،نظر سنجی های عمومی ،جمعیت شناسی ،جامعه شناسی و....

نظام های حقوقی :

۱–نظام کامن لاو انگلیس common law ،حقوق عرفی

۲–مکتوب (حقوق نوشته) فرانسه ،بلژیک

۳–دینی (ایران)

۴–هند وچین

تعریف دولت :

لغوی :در زبان فارسی به معنای ثروت ،نیکبختی ،پیروزی ،جاه ومقام است .

در زبان عربی به معنای تفسیر و عدم ثبات است .

در زبان انگلیسی به معنای وضعیت ،حالت و ثبات

تعریف اصطلاحی:

۱–کشور (جامعه سیاسی) جامعه ملی

۲–قدرت سیاسی (جمع سه قوه)

۳–قوه مجریه

۴–قوه مرکزی

کشور: یعنی جامعه ای که دارای پیوندهای محکم و همبستگی های فرهنگی ،سیاسی تاریخی واجتماعی است.

قدرت سیاسی : جمع سه قوه (جمعیت ،سرزمین ،حاکمیت ،حکومت)

جمعیت: عامل انسانی تشکیل دولت بوده وعبارت از افرادی که از پیوندهای عمیق وهمبستگی گسترده فرهنگی اقتصادی واجتماعی برخوردارند.بنابراین هر توده انسانی ملت و جمعیت خوانده نمی شود.

سرزمین: عامل مادی تشکیل دهنده دولت بوده و مکانی جغرافیائی برای سکونت جمعیت و اعمال حاکمیت دولت است .طبیعی (رود ،دریاچه) غیر طبیعی (توسط انسان ها مشخص می شود)

حاکمیت : ماهیت حقوقی رابطه دولت با سرزمین را مشخص می کند.حاکمیت اراده ای است که فوق همه اراده های دیگر در جامعه اعمال می شود وهیچ اراده ای بر آن برتر نیست .حاکمیت برای دولت ها زمانی مصداق دارد که در برابر اعمال اراده و اجرای اقتدارشان با مانعی مواجه نشود.

حاکمیت شامل :

۱-حاکمیت بیرونی: استقلال و عدم وابستگی کشورها به کشور دیگر

۲-حاکمیت درونی:برتری دولت بر سایه اعضای جامعه شامل احزاب ، گروه ها ومردم

منشاء حاکمیت: منظور از منشاء حاکمیت آن است که برچه مبناء وعللی فرد یا افرادی اجازه و امکان اعمال حاکمیت برهمگان را پیدا می کند.

دو نظریه منشاءحاکمیت:

۱-نظریه حاکمیت الهی (خدا)

۲-نظریه حاکمیت غیر الهی (مردم)

حکومت : قدرت سیاسی سازمان یافته ای است که بر جمعیت یک سرزمین اعمال حاکمیت می کند.

دو عامل متمایز کننده دولت از سایر گروه های اجتماعی :

۱-تکامل سازمانی دولت

۲-وسعت روابط و همبستگی های اجتماعی

تکامل سازمانی دولت :

- سیستم کار میان فرمانروایان در هر ۳ قوه ونهادها وسازمان های دیگر
- وجود سیستم پیشرفته ضمانت اجراء،الزام به اجرای قوانین و اجرای مجازات در صورت تخلف
- استفاده انحصاری از قوه مجریه

وسعت روابط وهمبستگی های اجتماعی :

در صورت تعارض میان منافع دولت با گروه های اجتماعی دیگر منافع دولت به دلیل همبستگی های اجتماعی گسترده بر منافع سایر گروه ها ترجیح داده می شود واین امر مانع جدا شدن و پراکندگی گروه های اجتماعی می شود.

قوه مجریه:رئیس جمهور ،وزراء ،اجزای قوانین مصوب مجلس

قوه مرکزی :براساس حقوق اداری دو قوه برای اداره کشور وجود دارد .قوه مرکزی و قوای محلی قوه مرکزی متشکل از سازمانهای اداری ومقامات اداره کننده آنهاست .قوای محلی شوراها هستند که به وسیله مردم انتخاب می شوند.

مشروعیت :

معنای فقهی =منطبق بر شرع بودن –شرعی بودن

معنای سیاسی =حقانی بودن –برحق بودن

معنای اصطلاحی =باور اکثریت و تلقی اکثر اعضاء جامعه در مورد شایستگی قدرت برتر سیاسی یعنی اکثریت مردم اقدامات قدرت برتر سیاسی را بر حق وقانونی بدانند.

شخصیت حقوقی دولت :

هر دولت متشکل از نهادها وسازمانهائی است که سهمی در شکل گیری شخصیت آن دارد.این نهادها وسازمان ها در گذر زمان تغییر می کنند ولی اصل شخصیت دولت تغییر نکرده و ثابت باقی می ماند البته این شخصیت با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی در معرض خطر قرار می گیرد.

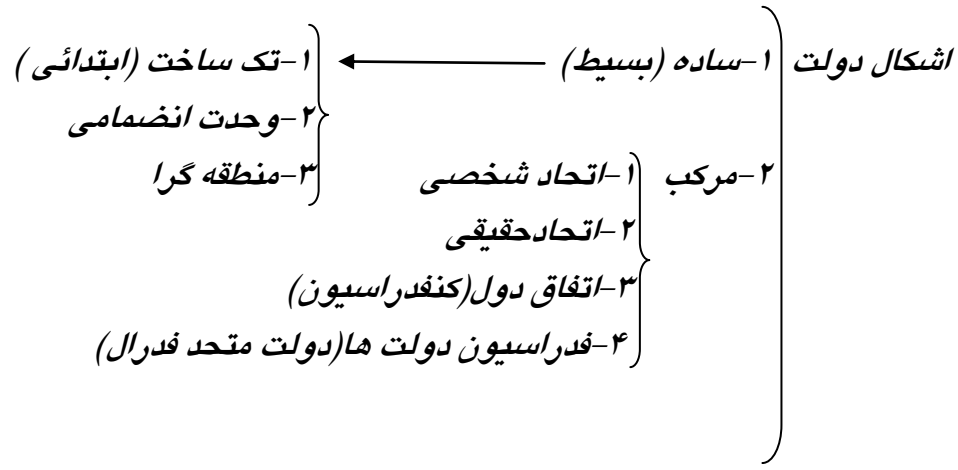

تک ساخت *:دارای یک پایتخت یا مرکز است و کل کشور تحت نظارت آن کنترل می شود.این نوع دولت ها دارای قانون اساسی واحد و قوانین عادی واحد هستند /مثل ایران .اکثر کشورهای دنیا به این شیوه اداره می شوند.*

وحدت انضمامی *: قوه قانون گذاری در کشور واحد است اما برخی مناطق صلاحیت برخورداری از قواعد متفاوت را دارند .البته به شرطی که به وحدت اداره سیاسی کشور لطمه وارد نکند مثل انگلستان*

منطقه گرا *:این دولتها دارای نوعی خودگردانی منطقه ای هستند .تشکیل این دولتها راه حلی است که برخی کشورها برای اداره سیاسی مناطق ناهمگون خود بکار گرفته اند این ناهمگونی ناشی از تفاوت های قومی ،زبانی ،مذهبی وغیره است .به عنوان مثال کردهای شمال عراق دارای خودمختاری منطقه ای هستند .البته قوانین محلی مناطق خود مختار نباید با قوانین وضع شده توسط دولت مرکزی مغایرت داشته باشد.*

دولت مرکب *:دولتی است که از اتحاد و اجتماع چند دولت به منظور تامین اهداف سیاسی ،امنیتی ایدئولوژی سیاسی به وجود می آید وبخشی از حاکمیت سیاسی هر دولت به سازمان مشترکی واگذار می شود تا آن سازمان دولت مرکب را اداره کند.*

ویژگی های دولت مرکب:

۱-بقای شخصیت حقوقی دولت های عضو
۲-بقای حاکمیت دولت های عضو
۳-واگذاری تمام یا بخشی از حاکمیت خارجی کشورهای عضو به سازمان مشترک

اتحاد شخصی :دو دولت مستقل به هم پیوسته وبا روء سای کشورهای متفاوت و برخوردار شدن از رئیس کشور واحد ،این نوع اتحاد معمولاً پس از چند سال متلاشی می شود.

اتحاد حقیقی :علاوه بر اینکه یک اداره کننده واحد در کشورها حاکم می شود ،سازمان یا سازمانهای مشترکی نیز برای اداره کشورها تاسیس می شود.

اتفاق دول :

ویژگی ها:

۱-دولت های متحد بصورت مستقل و خدمختار عمل می کنند و به صورت شخصیت مستقل هستند.
۲-دولت های عضو ضمن حفظ استقلال داخلی وخارجی بخشی از اقتدار خود را به سازمانی مشترک واگذار می کنند.
۳-این الحاد در مقایسه با فدرال اتحاد بادوامی محسوب نمی شود.
۴-دولت های عضو مجبور به اطلاعت از سازمان مشترک نیستند.

دولت فدرال:

ویژگی ها:

۱-متشکل از تعدادی دولت دارای خود مختاری است .

۲-این دولت ها از حق حاکمیت خارجی برخوردار نیستند .یعنی اتحاد آنها در زمینه اطلاعات عمومی است نه مسائل بین المللی .

۳-دو اصل مهم حاکم بر دول فدرال

دو اصل مهم حاکم بر دول فدرال

الف) اصل خودمختاری :یعنی دولت های عضو در خصوص قومیت –زبان –مذهب و آداب ورسوم در قلمرو خود استقلال داشته باشند.

ب) اصل مشارکت : دول عضو برای حضور در نهادهای فدرال قانون گذار و اجرائی حق برخورداری از نماینده را دارند واز این طریق در تصمیم گیری در مورد امور سیاسی ،قلمرو ،جمعیت و.. مشارکت می کنند.

۴-بر شهروندان دولت فدرال دو نظام حقوقی حکمفرماست.

الف)نظام حقوقی همان ایالت

ب)نظام فدرال که در دولت مرکزی از طریق پارلمان و.. برگزار می شود.

تفاوت دولت فدرال و کنفدراسیون

۱-کنفدراسیون معمولا میان چند دولت شکل می گیرد اما دولت فدرال توسط قانون اساسی تشکیل می شود.

۲-اعضاءکنفدراسیون شخصیت حقوقی بین المللی خود را حفظ می کنند برخلاف فدراسیون

۳-کنفدراسیون دارای سازمان مشترک بین دول عضو است ولی فدراسیون دولت مشترک بین چند دول است.

۴-دول عضو کنفدراسیون حق خروج از آن را دارند برخلاف دولت فدرال

منشاء حاکمیت سیاسی:

۱-نظریه حاکمیت الهی (تئوکراسی)
۲-نظریه حاکمیت غیر الهی (دموکراسی)
۳-نظریه حاکمیت الهی وغیر الهی

نظریه حاکمیت الهی :طبق این نظریه هرجا قدرتی می بینیم از آن خداست ومنشاء قدرت سیاسی خداوند است.

نظریه حاکمیت غیر الهی : طبق این نظریه مشاء قدرت سیاسی از آن غیر خداست بعنوان مثال گفته میشود منشاء قدرت سیاسی مردم هستند.
نظریه ترکیبی الهی وغیر الهی : یعنی طبق این نظریه منشاء قدرت سیاسی ترکیبی از خداوند و مردم است.

انواع نظریه تئوکراسی

۱-حکمرانی خدا
۲-حکمرانی نماینده ی برگزیده خدا
۳-حکمرانی براساس مشیت وخواست و اراده ی خدا

حکمرانی خدا:وضع قانون،اجرای قانون ورسیدگی به اختلافات برعهده یک نفر است واو همان خداوند است.

حکمرانی نماینده ی برگزیده خدا: با ظهور پیامبران شکل گرفت وبراساس آن حکمرانی از آن نماینده برگزیده خداست.

حکمرانی براساس مشیت وخواست خدا:دربرخی از کشورهای مسیحی که براساس اصول دموکراسی اداره میشود.اراده مردم درعرض اراده خداوند دانسته می شود یعنی حکمرانی که منتخب مردم است براساس مشیت واراده خداوند ودر عرض اراده خدا انتخاب می شود.مثل ایتالیا

نظریه دموکراسی: *demos cratos* حکومت مردم

انواع دموکراسی ۱-حاکمیت مردمی
۲-حاکمیت ملی

برطبق نظریه حاکمیت مردمی تک تک مردم بر سرنوشت خود حاکم هستند درحالی که برطبق نظریه حاکمیت ملی اکثریت مردم حکومت دارند .زمانیکه نظریه حاکمیت ملی موجب شکل گیری حکومت هائی مانند آلمان نازی شد وجنگ جهانی دوم به وقوع پیوست نظریه حاکمیت مردمی ارائه شد.

تفاوت حاکمیت ملی وحاکمیت مردمی:

۱-درحاکمیت مردمی رای دادن یک حق ارادی وآزادانه است .چون حق حاکمیت به تک تک افراد جامعه داده شده اما در حاکمیت ملی رای دادن یک وظیفه ملی است که فرد به واسطه آن اراده عمومی را ابراز می کند.

۲-در حاکمیت مردمی مشارکت گسترده افراد جامعه در امور سیاسی امر مطلوبی است زیرا افزایش مشارکت مردم باعث تقویت حاکمیت می شود .اما در حاکمیت ملی مشارکت در امور سیاسی با هدف انتخاب حاکمانی خاص ومعین صورت می گیرد.

۳-در حاکمیت مردمی اعمال حاکمیت از طریق دموکراسی مستقیم یا غیر مستقیم صورت می گیرد یعنی از طریق برگزاری همه پرسی یا رای دادن برای انتخاب نمایندگان .اما در حاکمیت ملی از دموکراسی مستقیم خبری نیست یعنی رفراندوم برگزار نمی شود وتنها برای انتخاب نمایندگان رای گیری می شود.

۴-درحاکمیت مردمی قانون مظهر اراده اکثریت بوده ودرپاسخ به نیازهای تک تک افراد جامعه وضع شده .اما در حاکمیت ملی قانون مظهر اراده ملت است نه تک تک افراد جامعه به عبارت دیگر میتوان قانونی را با ادعای موافقت با اراده عمومی به افراد جامعه تحمیل کرد.

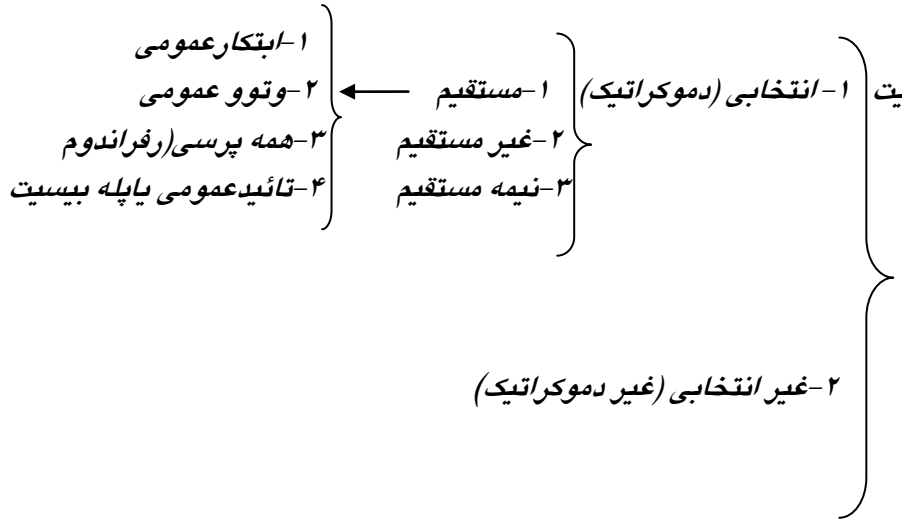

۱ -**انتخاب مستقیم**:یعنی مردم حاکمیت خود را بطور مستقیم و بدون واسطه اعمال می کنند اینکار از طریق رفراندوم یا همه پرسی انجام میشود.

۲ -**انتخابی غیر مستقیم**:در این حالت اعمال حاکمیت از طریق نمایندگان منتخب مردم صورت می گیرد.

۳ -**انتخابی نیمه مستقیم**:ترکیبی از دوشیوه بالاست واعمال حاکمیت هم از طریق رفراندوم وهم از طریق نمایندگان انجام میشود.

انواع دموکراتیک مستقیم :
۱-ابتکار عمومی
۲-وتوو عمومی
۳-همه پرسی (رفراندوم)
۴-تائید عمومی یا پله بیسیت

ابتکار عمومی:دراین حالت خود مردم به طور مستقیم پیشنهاد یا پیشنهاداتی را به نمایندگان مجلس ارائه می دهند واین پیشنهاد توسط نمایندگان بررسی شده ورد یا تائید میگردد.درحال حاضر دموکراسی مستقیم در برخی ایالات کشور سوئیس اعمال میشود.

وتوو عمومی : دراین حالت مجلس قانونی را وضع می کند واگر عده زیادی از مردم به آن اعتراض کنند با اینکه این قانون توسط مجلس به تصویب رسیده از اعتبار ساقط شده ودیگر قانون نخواهد بود.مثل سوئیس

همه پرسی :دوشکل دارد
۱-برگزاری رفراندوم در قانون اساسی پیش بینی شده است
۲-خود قانون اساسی را برای تصویب به رفراندوم می گذارند.

پله بیسیت یا تائید عمومی :
یک نوع دعوت به حضور عمومی است .برای تائید فرد یا افراد خاص .دراین حالت حکومت قانون وضع نمی کند وتنها از عموم برای حضور در اجتماع وتائید یک فرد دعوت می شود مثل انتخابات صدام در سالهای آخر عمرش

دموکراسی غیر مستقیم (نمایندگی)
۱-دموکراسی لیبرال(کشورهای غربی)
۲-دموکراسی مارکسیستی(کشورهای شرقی)
۳-دموکراسی دینی (مردم سالاری دینی)

دموکراسی لیبرال:
مبتنی بر آزادی های فردی است وفرد مادامیکه به آزادی دیگران تجاوز نکرده دراین سیستم در انجام امور مربوط به خود آزاد است.

ویژگی دموکراسی لیبرال:

۱-قدرت سیاسی برپایه اصل حاکمیت مردمی قراردارد.

۲-حکومت ها از طریق انتخابات عمومی وآزاد تعیین نمی شود.

۳-ساختار سیاسی براساس اصل تفکیک قواست یعنی سه قوه مقننه ،مجریه وقضائیه در عرض یکدیگر بوده وهیچ یک بر دیگری برتری ندارد.

۴-همه احزاب آزادند تا در انتخابات شرکت کنند حتی احزابی که انحرافات اقتصادی وسیاسی دارند.

۵-شهروندان در برابر هیات حاکمه از حقوق وآزادی های فردی و اجتماعی برخوردارند.

دموکراسی مارکسیستی:

ویژگی ها:

۱-قدرت سیاسی در اختیار حزبی واحد است واز اعمال حاکمیت ملی ومردمی خبری نیست.

۲-انتخابات جنبه عوام فریبانه دارد وبصورت پله بیسیت برگزار میشود.

۳-ساختار سیاسی متمرکز بوده ودر دست مقامات اجرائی محدود است به عنوان مثال در شوروی سابق تمامی مقامات عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بودند.این کمیته بالاترین مرجع حاکمیتی بوده واز اختیارات قانونگذاری اجرائی وقضائی برخوردار است.

۴-احزاب آزاد وجود نداشتند وحزبی واحد حاکم است.

۵-حزب افکار عمومی را در جهت مشروعیت بخشیدن به رژیم هدایت نمی کند وافراد در برابر هیات حاکمه از حقوق آزادی های فردی واجتماعی برخوردار نیست.

دموکراسی دینی : مبتنی بر دو عنصر مشروعیت ومقبولیت است .

مشروعیت یعنی اینکه حاکمان باید مورد تائید شرع مقدس اسلام باشد .

مقبولیت یعنی اینکه مردم باید رضایت خود از حاکمان را از طریق شرکت در انتخابات همه پرسی وغیره اعلام کنند.

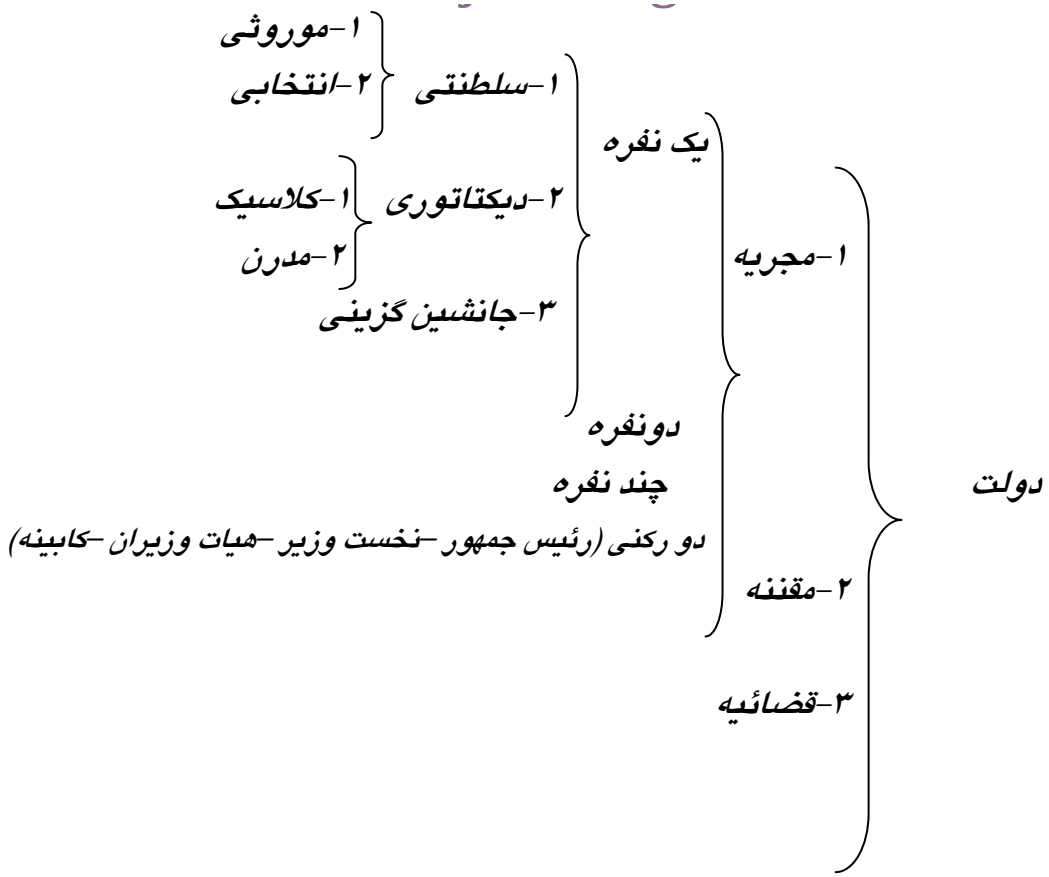

حکومت یک نفره:

به آن mongacracy گفته می شود.قوه مجریه توسط یک نفر اداره میشود وبرای این فرد از عناوینی مانند پادشاه ،امیر،شاه وغیره استفاده میشود.این نوع حکومت براساس شیوه تعیین حکمران به سه دسته تقسیم می شود .حکومت سلطنتی حکومت دیکتاتوری –حکومت جانشین گزینی

ویژگی ها:

۱ -در حکومت سلطنتی یا monarchy موروثی سلطنت از طریق وراثت منتقل می شود.یعنی پس از فوت مقام سلطنت وارث او که معمولاً پسر وی است جایگزین می شود واگر پسری نداشته باشد دختر او حاکم می شود مثل هلند

۲ -در حکومت سلطنتی انتخابی پادشاه به نمایندگی از ملت یا هیاتی از شیوخ بزرگان برای ندت طولانی یا مادام العمر انتخاب می شوند.مثل مالزی

حکومت دیکتاتوری ،حکومتی است که حاکم در آن از راه فتح و غلبه قدرت را کسب می کند وبا سرکوب و خفقان حکومت می کند .حکومت دیکتاتوری معمولا فاقد مشروعیت است به عنوان مثال آقا محمدخان قاجار از طریق جنگ ولشگر کشی سرتاسر ایران را فتح کرد وسلسله قاجاریه را تاسیس نمود (کلاسیک)
در دیکتاتوری های مدرن اگرچه در ظاهر ویژگی های حکومت های دموکراتیک رعایت می شود اما در عمل قانون رعایت نمیشود وبه حقوق آزادی های فردی مردم هم احترام گذاشته نمیشود .مثل کشورهای عربی

حکومت جانشین گزینی (cooptation): در این حکومت خود حکمران جانشین پس از خود را انتخاب می کند مثل باکو

حکومت دو نفره :دونفر با اختیارات برابر وبا رضایت یکدیگر به طور همزمان فرمانروائی می کنند.

ویژگی ها:

۱-میان هردو حکمران برابری کامل وجود دارد و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد.
۲-اختیارات هردو نفر مشترک است.
۳-تصمیم گیری ها مشترک بوده وهیچ کدام نمی توانند بدون توافق دیگری تصمیم بگیرند.فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم

حکومت چند نفره(هیات مدیره): وقتی شکل می گیرد که چند نفر درآن واحد حکومت می کنند.

ویژگی ها:

۱-تمامی اعضای هیات مدیره باهم برابرند .هیچ یک بر دیگری برتری ندارد وهمه یک حق رای دارند.

۲-تصمیمات بطور جمعی وبا اکثریت آراء اتخاذ می شود.به عنوان مثال در سوئیس مجلس فدرال هر ایالت یا کانتون اعضای یک شورای فدرال ۷ نفره را انتخاب می کند و این افراد به مدت چهار سال وظایف اجرائی آن کانتون را بر عهده دارد .هرسال هم هریک از این ۷ نفر به عنوان رئیس هیات مدیره انتخاب می شوند.

حکومت دو رکنی: در این حکومت قوه مجریه در دست یک رئیس کشور و یک هیات بنام هیات وزیران یا کابینه است .رژیم های پارلمانی بطور شاخص حکومت دو رکنی را اعمال می کنند .

حکومت پارلمانی: حکومتی است که در آن اعضای هیات وزیران توسط رئیس جمهور کشور برگزیده میشود.

دولت ← مقننه
- ۱-تک مجلسی
- ۲- دو مجلسی

در قوه مقننه تک مجلسی:اعضای مجلس منتخب مردمند یعنی مردم مستقیماً نمایندگان را انتخاب می کنند تا به جای آنها اعمال حاکمیت کنند.

در قوه مقننه دو مجلسی :برای تکمیل و دقیق تر کردن قوانین مصوب مجلس اول ،مجلس دومی با شرکت نخبگان جامعه تشکیل میشود وانتخاب این افراد بصورت موروثی توسط مقامات عالی تر وگاهی بصورت مادام العمر انجام می شود.

تعریف قانون اساسی:قانون اساسی مجموعه قواعد ومقررات حاکم بر اساس حکومت ،صلاحیت قوای مملکت ،روابط قدرتهای عمومی ،اصول مهم حقوق و آزادی های فردی را تبیین می کند.

تمایزات قانون اساسی با سایر قوانین ومقررات

۱ -**از جهت وضع تصویب** : معمولا قانون اساسی با تشریفات سنگین تر و بیشتری در مقایسه با قوانین عادی تصویب میگردد ،اما قوانین عادی فقط از طریق مجلس وضع و تصویب میشود.

۲ -**از لحاظ شرح وتفسیر** : شرح وتفسیر قانون اساسی تابع تشریفات خاص ومتمایز از تشریفات تفسیر قوانین عادی است حتی مرجع تفسیر این دو دسته از مقررات هم از یکدیگر جدا است به عنوان مثال در ایران تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است .اما مرجع تفسیر قوانین عادی بر عهده مجلس است.

۳ -**از لحاظ لغو تغییر** :قانون اساسی کمتر از قوانین دیگر دستخوش تغییر یا تبدیل می شود واگر کشوری مسئله بازنگری وتجدید نظر در قانون اساسی خود را بپذیرد. دراین مورد تشریفات سنگینی را وضع می کند .حال آنکه در مورد قوانین عادی چنین تشریفاتی وجود ندارد.

۴ -**از جهت تبعیت و مطابقت قوانین با یکدیگر**: قانون اساسی در راس هرم مقررات و قوانین موضوعه کشوری قرار دارد و مقررات پائین تر از آن مثل قوانین عادی احکام و نظام نامه های قوه مجریه نباید به نحوی باشد که قانون اساسی را نقض کند یا با اصول آن مغایر باشد در صورت تشخیص ،عدم انطباق یا مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی توسط مراجع صالح (مانند شورای نگهبان در ایران) آن دسته از قوانین از درجه اعتبار ساقط می شود.

ویژگی های لازم قانون اساسی :

۱-منطبق با اصول ومبانی اعتقادی جامعه باشد.

۲-ابتکاری و غیر تقلیدی باشد.

۳-حکمی باشد و به جزئیات نپردازد.

۴-وضوح وقاطعیت داشته باشد.

۵-عدم تعارض بین اصول قانون اساسی

۶-نظم و ترتیب منطقی اصول قانون اساسی

۷-اصول قانون اساسی قابلیت اجراء داشته باشد.

اقسام قانون اساسی :

۱ - قانون اساسی مدون و غیر مدون

۲ - قانون اساسی انعطاف پذیر و انعطاف ناپذیر

۳-قانون اساسی تک متنی و چند متنی

۴-قانون اساسی دارای اصول با ارزش واحد و متفاوت

۱-**قانون اساسی مدون وغیر مدون** :در قانون اساسی مدون اصول و قواعد سازمان سیاسی دولت در سندی بنام قانون اساسی از طرف مقام صلاحیت دار نوشته شده و به صورت مجموع های حاوی تعدادی اصول در دسترس است اما در قانون اساسی غیر مدون سازمان ؛دولت مبتنی بر عرف عادات و سنت هاست .به عنوان مثال در انگلستان برخی قواعد سیاسی بر اساس قانون نوشته شده معین شده است مانند قانون پارلمان اما در بقیه موارد براساس سنت ها و عرف عمل می شود بدون آنکه قانونی تدوین شده باشد.

۲- **قانون اساسی انعطاف پذیر و انعطاف ناپذیر** : اگر مقررات قانون اساسی هیچ گونه برتری بر قوانین عادی نداشته باشد وارزش حقوقی هر دو دسته از مقرات اساسی و عادی در یک سطح باشد این نوع قانون اساسی قانون اساسی نرم و انعطاف پذیر نامیده می شود.در این سیستم قانون گذار عادی می تواند به سادگی با وضع یک قانون عادی قانون اساسی کشور را تغییر دهد یا هرکدام از مقررات آن را نسخ کند یا اجرای هریک از آنها را متوقف سازد بنابراین نوع قانون اساسی چندان موفقیتی برای محدود کردن قدرت و اقتدار زمانداران نخواهد داشت ،اما اگر قانون اساسی قوانین عادی برتری داشته باشد و تصویب آن با تشریفات سنگین صورت پذیرد .این نوع قانون اساسی انعطاف ناپذیر خواهد بود .در این سیستم مجلس صلاحیت تغییر یا تجدید نظر در قانون اساسی را ندارد ونمیتواند با وضع قوانین ومقررات مغایر با قانون اساسی اجرای آن را متوقف یا محدود کند.

۳-قانون اساسی تک متنی و چند متنی : اگر قانون اساسی مشتمل بر یک سند باشد (شامل) به آن قانون اساسی تک متنی گفته میشود مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، اما اگر قانون اساسی یک کشور را چند متن مستقل و مجزا از هم تشکیل دهند قانون اساسی چند متنی خواهد بود مانند قانون اساسی مشروطیت که دو متنی بود و شامل یک متن اساسی شامل ۵۱ اصل و یک متن متمم دارای ۱۰۷ اصل بود.

۴-قانون اساسی دارای اصول با ارزش واحد و متفاوت : اگر تمام مواد واصول قانون اساسی دارای ارزش واحدی داشته باشند وهیچ یک نسبت به دیگری برتری یا اهمیت بیشتری نداشته باشد به آن قانون اساسی دارای اصول باارزش واحد می گویند.
در حالت دوم به برخی از اصول قانون اساسی توجه بیشتری شده واین اصول اهمیت اعتبار بالاتری دارند میزان اهمیت برخی از این اصول تا بدان حد بالاست که در قانون اساسی تشریح شده ،تغییر اصلاح وبازنگری آنها به هیچ وجه ممکن نیست به عنوان مثال در اصل ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گفته شده اسلامی بودن نظام جمهوری ،بودن حکومت ،ولایت امر ،امامت امت ،اداره امور کشور با اتکاء آراء عمومی ودین ،مذهب رسمی کشور تغییر ناپذیر است.

محتوی قانون اساسی

۱ -**مقدمه**: شامل اهداف و آرمانهاست که الهام بخش قانون گذار عادی در مجلس است و هدف آن اعلام ایدئولوژی و فلسفه سیاسی دولت و برداشت او از جامعه انسانی و حقوق آزادی هایش است .

۲ -**بدنه قانون اساسی** :شامل احکام حقوقی دارای ضمانت اجراست و هدف آن تعیین ومیان قواعد کلی سازمان سیاسی سه قوه ،نحوه اجرای قواعد و روش پیاده شدن آنهاست که از ۱۴ فصل شامل ۱۷۷ اصل تشکیل شده است .

۳ -**موخره قانون اساسی** : شامل آیات وروایات است و به عنوان بخشی از مبانی قانون اساسی در متون اسلامی (قرآن ،حدیث) تلقی میشود .این قسمت بیانگر مشروعیت احکام ومقررات است که در نسخه های جدید قانون اساسی درج نمی شود.

اصول کلی قانون اساسی : در بین اصول کلی قانون اساسی دو محور عمده قابل شناسائی است:

۱-اسلامیت نظام

۲- جمهوریت نظام

جمهوریت بیانگر شکل نظام است **و اسلامیت** نشانگر محتوی آن می باشد.

اسلامیت نظام :منظور از اسلامی بودن نظام سیاسی ایران آن است که محتوی حکومت بر مبنای دین اسلام شکل می گیرد.

دو راه تامین اسلامیت نظام سیاسی عبارتند از :

۱ -وضع قوانین ومقررات بر مبنای اسلام که این امر بر طبق اصل ۴ قانون اساسی غیر قابل تغییر است .

۲ -اجراء و پیاده کردن قوانین اسلامی به دست فردی که خداوند او را به عنوان ولی تعیین نموده است .این فرد بر طبق اصل ۵ قانون اساسی فقیه عادل و با تقوی ،آگاه به زمان ،شجاع ، مدیر ومدبر است که بر طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی عهده دار ولایت امر میگردد.

جمهوریت نظام :

الف) منظور از جمهوری بودن نظام سیاسی ایران آن است که جانشینی ریاست کشور یک انتخابی بوده و امور کشور متکی به آرای عمومی باشد .

ب) رهبر کشور در برابر قانون با سایر افراد مساوی است .

ج)رهبر رئیس جمهور وسایر مسئولان عالی رتبه کشور دارای مسئولیت مضاعف حقوقی و سیاسی هستند.

ویژگی های بنیادین نظام جمهوری اسلامی

۱-حاکمیت خدا

۲-حاکمیت مردم

حاکمیت خدا : در نظام سیاسی ایران منبع مشروعیت نظام خداست و حق حاکمیت به او اختصاص دارد.برای اینکه حاکمیت خدا در جامعه اعمال شود :

اولاً باید قوانین اسلامی باشد

ثانیاً حاکم ومجری قانون هم با تائید خدا انتخاب شود.

حاکمیت مردم: حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی است .بدین معنی که مردم حاکمیت خود را از خدا می گیرند .حاکمیت مردم در دو مرحله به شرح ذیل محقق می شود:

۱ -**درمرحله وضع قانون** : از طریق انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی ،شرکت در همه پرسی ،شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و انتخاب اعضای آن

۲ -**مرحله اجرای قانون** :از طریق انتخاب و عزل رهبری (بطور غیر مستقیم واز طریق منتخبان خود در مجلس خبرگان رهبری) واز طریق انتخاب رئیس جمهور

ویژگی های شکلی نظام جمهوری اسلامی ایران

۱-خط وزبان
۲-تاریخ و پرچم

خط وزبان :براساس اصل ۱۵ قانون اساسی زبان وخط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات رسانه های گروهی وتدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است .

همچنین به موجب اصل ۱۶ قانون اساسی از آنجائیکه زبان قرآن و علوم ومعارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است .این زبان باید پس از دوره ابتدائی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس ها ودر همه رشته ها تدریس شود.

تاریخ وپرچم :مبدا تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام است .تاریخ هجری شمسی وقمری هر دو معتبر است .اما مبنای کار ادارات دولتی تاریخ هجری شمسی است .

پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز ،سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است .

تعیین رهبر :
- مرحله اول ← دارابودن شرایط و صفات رهبری
  - شرایط وصفات دینی
  - شرایط و صفات سیاسی
- مرحله دوم ← انتخاب وعزل رهبری

برای تعیین رهبر دو مرحله وجود دارد.مرحله اول دارابودن شرایط و صفات رهبری و مرحله دوم انتخاب وعزل رهبری. بر طبق دو اصل ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی شرایط و صفات رهبری در نظام جمهوری اسلامی به دو بخش تقسیم می شود:

الف)شرایط وصفات دینی که عبارتند از :

۱- صلاحیت علمی لازم برای فتوا دادن در حوزه های مختلف فقهی

۲-عدالت و تقوی لازم برای رهبری امت اسلام

ب) شرایط وصفات سیاسی :

- **بینش صحیح سیاسی و اجتماعی**
- **مدبر بودن**
- **شجاعت**
- **مدیریت وقدرت کافی برای رهبری**

انتخاب و عزل رهبری

بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی رهبری از طریق خبرگان منتخب مردم انتخاب می شود .ابتدا خبرگان درباره همه فقهای واجد شرایط ذکر شده در اصول ۵ و ۱۰۹ بررسی و مشورت می کنند ،درصورت تعدد واجدین شرایط رهبری شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد برای انتخاب بر دیگران مقدم است و اگر از این لحاظ واجدین شرایط همسطح باشند به ملاک های دیگری توجه می شود که عبارتند از :

برجستگی های خاص در یکی از صفات و شرایط رهبری مثلاً یکی ار فقها از بقیه عادل تر یا شجاع تر باشد یا قدرت مدیریت بیشتری داشته باشد واگر هیچ یکی از این ملاک ها قابل اعمال نبود واز این جهات تقدم وبرتری وجود نداشت مجلس خبرگان رهبری یکی از فقها را انتخاب و معرفی می کند.

وظایف و اختیارات رهبری:

۱-وظایف و اختیارات در ارتباط با مجموعه نظام
۲-وظایف واختیارات در ارتباط با قوای سه گانه
۳-وظایف و اختیارات درباره نهادهای قانونی مندرج در قانون اساسی

وظایف و اختیارات در ارتباط با مجموعه نظام:

-تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام

-نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام

-حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه

- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست ،از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام

وظایف واختیارات در ارتباط با قوای سه گانه

-امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم

- عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت رئیس جمهور

- موافقت با استعفای رئیس جمهور

- موافقت با جانشینی معاون اول رئیس جمهور به جای وی در صورت فوت ، عزل استعفاء ،غیبت ،بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور

- فرماندهی کل نیروهای مسلح

- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

- تعیین دو نماینده در شورای عالی امنیت ملی و تائید مصوبات آن شورا جهت اجراء.

- عزل و نصب و قبول استعفاء مقامات (رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح – فرمانده کل سپاه –فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی)

- فرمان همه پرسی

- نصب و عزل وقبول استعفاء فقهای شورای نگهبان

- نصب وعزل و قبول استعفاء عالی ترین مقام قوه قضائیه.

-عفو وتخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

وظایف و اختیارات درباره نهادهای قانونی مندرج در قانون اساسی

-دستور تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام وتعیین اعضای ثابت ومتغییر آن
- ارجاع امور مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام وتائید مقررات مربوط به آن
- پیشنهاد اصلاح یا تتمیم قانون اساسی به شورای بازنگری قانون اساسی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام
- تعیین ۱۰ عضو شورای بازنگری قانون اساسی
- عزل ونصب وقبول و استعفاء رئیس سازمان صدا وسیما.

شورای موقت رهبری

شورای موقت رهبری بعد از اصلاحات قانون اساسی در نظر گرفته شد و نهادی است که به صورت موقت و بدلایل خاص بر طبق اصل ۱۱۱ وظایف رهبری را برعهده می گیرد.

دلایل تشکیل شورای موقت رهبری

- فوت رهبر
- کناره گیری رهبر
- عزل رهبر
- بیماری رهبر
- هرحادثه ای که موجب شود رهبری به طور موقت از ایفاء وظایف خود ناتوان شود.

اعضای شورای موقت رهبری

این اعضاء عبارتند از :رئیس جمهور –رئیس قوه قضائیه –یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام درصورتیکه در مدت تصدی شورای مزبور یکی از افراد فوق به هر دلیل نتواند وظیفه اش راانجام دهد فرد دیگری به انتخاب مجمع با حفظ اکثریت فقها در شورا به جای وی منصوب میگردد.

وظایف شورای موقت رهبری

شورای مذ کور همه وظایف رهبری را به طور موقت برعهده می گیرد اما در مورد وظایف زیر پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می کند.

- تعیین سیاست های کلی نظام
- نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام
- فرمان همه پرسی
- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها
- عزل رئیس جمهور
- نصب وعزل و قبول استعفاء رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح – فرمانده کل سپاه – فرماندهان عالی نیروهای نظامی وانتظامی

مدت تصدی شورای موقت رهبری

مدت تصدی شورای مزبور تا تعیین و معرفی رهبر جدید خواهد بود .البته در صورتیکه شورای مذکور به دلیل بیماری رهبر یا حادثه ای که رهبر را موقتاً از ایفاء وظایفش ناتوان کند ، تشکیل گردد.مدت تصدی شورای مذکور تا رفع بیماری و حادثه خواهد بود.

مجلس خبرگان رهبری

وظایف

۱-انتخاب رهبر
۲-عزل رهبر
۳-نظارت بر رهبر

انتخاب رهبر :

بر طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی ، مجلس خبرگان رهبری وظیفه تعیین رهبر را بر عهده دارد.درجهت بررسی شرایط و انتخاب رهبر ،کمیسیونی مرکب از ۱۱ نفر عضو اصلی و ۴ نفر عضو علی البدل در مجلس خبرگان تشکیل میگردد. وظیفه اصلی این کمیسیون تحقیق درباره همه موارد مربوط به شرایط رهبر (کسانی که در مظان رهبری قرار دارند) و ارائه نتایج حاصل به هیات رئیسه برای بررسی مجلس خبرگان رهبری است .

عزل رهبر :

در قانون اساسی در سه مورد برکناری رهبری پیش بینی شده است :

- ناتوانی از انجام وظایف رهبری
- از دست دادن یکی از شرایط رهبری
- کشف فقدان یکی از شرایط از آغاز

مجلس خبرگان برای اجرای این امر دارای کمیسیونی مرکب از ۱۱ نفر عضو اصلی و ۴ نفر عضو علی البدل است .بستگان نزدیک سببی و نسبی رهبر نمی توانند عضو این کمیسیون باشند .اگر دو سوم کمیسیون و هیات رئیسه مجلس خبرگان رهبری به تشکیل اجلاس خبرگان برای رسیدگی و عمل به موارد برکناری رهبر رای بدهند اجلاس خبرگان در اولین فرصت تشکیل می شود وپس ا بررسی های لازم رای گیری انجام میشود.

نظارت بر رهبر:

بر طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی تشخیص ناتوانی رهبر از انجام وظایف قانونی یا فقدان یکی از شرایط بر عهده مجلس خبرگان است .مجلس خبرگان برای انجام این وظیفه دارای کمیسیون تحقیق است که علاوه بر رسیدگی به گزارشات واصله به تشکیلات اداری رهبری نیز توجه داشته و به آن مقام برای جلوگیری از نفوذ و دخالت عناصر نامطلوب در تشکیلات نهاد رهبری کمک می نماید.

تهیه و تدوین مقررات مربوط به مجلس خبرگان رهبری

برطبق اصل ۱۰۸ قانون اساسی برای جلوگیری از دخالت دیگران وناممکن کردن اعمال نفوذ بر فرآیند کاری و تصمیمات حساس مجلس خبرگان ، تهیه و تدوین مقررات و امور مربوط به مجلس خبرگان رهبری بر عهده نمایندگان همین مجلس گذاشته شده است.

تعداد و شرایط نمایندگان مجلس خبرگان

تعداد نمایندگان هر استان در مجلس خبرگان یک نفر است ولی با درنظر گرفتن جمعیت هر استان به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت یک نفر به تعداد نمایندگان آن استان افزوده خواهد شد.

ویژگی های خبرگان منتخب مردم

—اشتهار به دیانت و شایستگی اخلاقی

- اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد.

-دارای بینش سیاسی و اجتماعی و آشنائی با مسائل روز

- معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران

- نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی

مرجع تشخیص واجدان شرایط نامزدی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری فقهای شورای نگهبان هستند . فقهای مزبور برای کسانی که اجتهادشان به طور قطعی مشخص نیست ،اقدام به برگزاری امتحان می کنند وشرایط دیگر را از طریق تحقیق و تفحص مشخص می کنند .خبرگان رهبری برای ۸ سال با رای مخفی و مستقیم رای دهندگانی که به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشند انتخاب می شوند .ملاک انتخاب نمایندگان خبرگان رای اکثریت نسبی شرکت کنندگان در انتخابات است .

قوه مقننه

شیوه های قانون گذاری
- ۱- شیوه غیر مستقیم تصویب قوانین
- ۲-شیوه مستقیم تصویب قوانین

شیوه غیر مستقیم تصویب قوانین

نمایندگان مجلس که منتخب مردم هستند قوانینی را تصویب کرده وپس از تائید شورای نگهبان جهت اجراء به قوای مجریه و قضائیه ابلاغ می کنند .تصوب قوانین آزمایشی در کمیسیون های مجلس یا تصویب دائمی اساسنامه سازمان ها ، شرکتها موسسات دولتی یا وابسته به دولت که با اجازه مجلس در دولت تصویب میشود ، از این نوع قوانین است .

شیوه مستقیم تصویب قوانین

در مسایل بسیار مهم ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت بگیرد .اینکار:

اولاً باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد .

ثانیاً شورای نگهبان آنرا تائید کند.

ثالثاً فرمان اجرای همه پرسی از سوی رهبری صادر شود.

ارکان قوه مقننه

۱- مجلس شورای اسلامی

۲-شورای نگهبان قانون اساسی

مجلس شورای اسلامی

تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ثابت نیست وهر ۱۰ سال یکبار با در نظر گرفتن عوامل مختلف حداکثر تا بیست نماینده به تعداد نمایندگان اضافه میشود .تعداد نمایندگان در سال ۱۳۷۸ به ۲۹۰ نفر رسید .این افزایش شامل نمایندگان اقلیت های مذهبی که ۵ نفر هستند(یک نماینده برای یهودیان –یک نماینده برای زرتشتیان و سه نماینده برای مسیحیان) نمیشود .

شورای نگهبان قانون اساسی

متشکل از ۱۲ عضو است که شامل ۶ نفر فقیه عادل و ۶ نفر حقوقدان مسلمان می باشد مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبار نامه نمایندگان و انتخاب ۶ نفر حقوقدان عضو شورای نگهبان

دانلود سوالات آزمون
راهنمای کامل آزمون